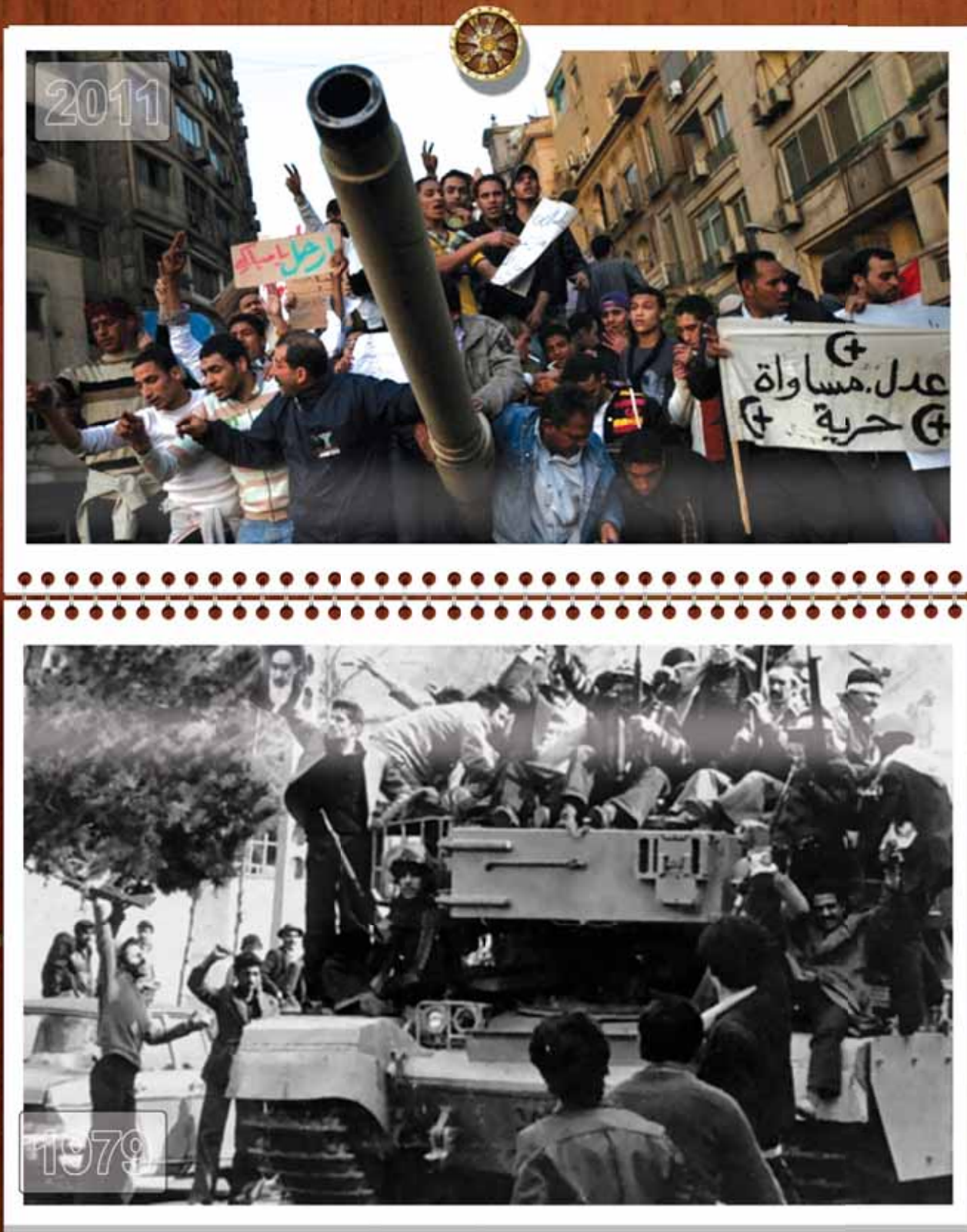


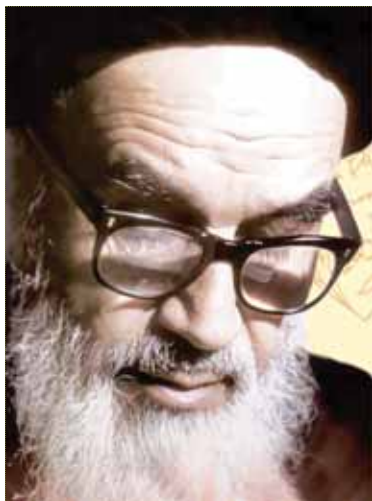
صدور انقلاب اسلامی

گفتمان «مقاومت» کلید تحقق خاورمیانه جدید
محبت زیاد شیعیان پاراچناروی بی تفاوتی ما!
انقلاب اسلامی ایران، الگوی قیام مردم تونس
تأثیر انقلاب اسلامی بر جریان های اسلام گرای مصر



اگر بسیج بزرگ سربازان اسلام در جهان تشکیل شود...

منشور نهضت جهانی اسلام در پیام پر شور معمار انقلاب



فرزندان معنوی رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - داشت؟ امروز یکی از افتخارات بزرگ ملت ما این است که در برابر بزرگترین نمایش قدرت و آرایش ناوهای جنگی آمریکا و اروپا در خلیج فارس صف آرایی نمود. **جهان خواران، تا کی و کجاست محلمان می کنند؟** نکته مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم این است که دشمنان ما و جهانخواران تا کی و تا کجا ما را تحمل می کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند. به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هويت ها و ارزش های معنوی الهی مان نمی شناسند. به گفته قرآن کریم، هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما بر نمی دارند مگر اینکه شما را از دینتان برگردانند. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم صهیونیست ها و آمریکا و شوروی در تعقیبمان خواهند بود تا هويت دینی و شرافت مکتبی مان را لکه دار نمایند.

ایرانی را می خواهند که شناسنامه اش را آمریکا صادر کند

بعضی مغرضین ما را به اعمال سیاست نفرت و کینه توزی در مجامع جهانی توصیف و مورد شماتت قرار می دهند، و با دلسوزی های بی مورد و اعتراض های کودکانه می گویند جمهوری اسلامی سبب دشمنی ها شده است و از چشم غرب و شرق و ایادی شان افتاده است! که چه خوب است به این سؤال پاسخ داده شود که ملت های جهان سوم و مسلمانان، و خصوصاً ملت ایران، در چه زمانی نزد غربی ها و شرقی ها احترام و اعتبار داشته اند که امروز بی اعتبار شده اند آری، اگر ملت ایران از همه اصول و موازین اسلامی و انقلابی خود عدول کند و خانه عزت و اعتبار پیامبر و ائمه معصومین - علیهم السلام - را با دست های خود ویران نماید، آن وقت ممکن است جهانخواران او را به عنوان یک ملت ضعیف و فقیر و بی فرهنگ به رسمیت بشناسند، ولی در همان حدی که آن ها آقا باشند ما نوکر، آنها ابرقدرت باشند ما ضعیف، آنها ولی و قیم باشند ما جیره خوار و حافظ منافع آنها، نه یک ایران با هويت ایرانی - اسلامی، بلکه ایرانی که شناسنامه اش را آمریکا و شوروی صادر کند، ایرانی که ارباب سیاست آمریکا یا شوروی را بکشد و امروز همه مصیبت و عزای آمریکا و شوروی شرق و غرب در این است که نه تنها ملت ایران از تحت الحمایگی آنان خارج شده است، که دیگران را هم به خروج از سلطه جباران دعوت می کند.

با تمام وجود برای احیای هويت اسلامی مسلمانان جهان سرمایه گذاری می کنیم

مطمئن باشید قدرت های شرق و غرب همان مظاهر بی محتوای دنیای مادی اند که در برابر خلود و جاودانگی دنیای ارزش های معنوی قابل ذکر نمی باشند. من به صراحت اعلام می کنم که جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیای هويت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه گذاری می کند. و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه طلبی و فزون طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد. ما باید برای پیشبرد اهداف و منافع ملت محروم ایران برنامه ریزی کنیم. ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم. ما اعلام می کنیم که جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است و کشور ایران به عنوان یک دژ نظامی و آسیب ناپذیر نیاز سربازان اسلام را تأمین و آنان را به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین به اصول و روش های مبارزه علیه نظام های کفر و شرک آشنا می سازد. ▶▶

استضعاف و استکبار و جنگ پابرهنه ها و مرفهین بی درد شروع شده است. و من دست و بازوی همه عزیزانی که در سراسر جهان کوله بار مبارزه را بر دوش گرفته اند و عزم جهاد در راه خدا و اعتدالی عزت مسلمین را نموده اند می بوسم، و سلام و درودهای خالصانه خود را به همه غنچه های آزادی و کمال نثار می کنم و به ملت عزیز و دلوار ایران هم عرض می کنم؛ خداوند آثار و برکات معنویت شما را به جهان صادر نموده است، و قلبها و چشمان پرفروغ شما کانون حمایت از محرومان شده است و شراره کینه انقلابی تان جهانخواران چپ و راست را به وحشت انداخته است.

جنگ ما جنگ عقیده است و مرز نمی شناسد
ما برای احقاق حقوق فقرا در جوامع بشری تا آخرین قطره خون دفاع خواهیم کرد. امروز جهان تشنه فرهنگ اسلام ناب محمدی است. و مسلمانان در یک تشکیلات بزرگ اسلامی رونق و زرق و برق کاخهای سفید و سرخ را از بین خواهند برد. امروز خمینی آغوش و سینه خویش را برای تیرهای بلا و حوادث سخت و برابر همه توپ ها و موشک های دشمنان باز کرده است و همچون همه عاشقان شهادت، برای درک شهادت روز شماری می کند. جنگ ما جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی شناسد.

بسیج بزرگ سربازان اسلام در جهان
و ما باید در جنگ اعتقادی مان بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه اندازیم. انشاءالله ملت بزرگ ایران با پشتیبانی مادی و معنوی خود از انقلاب، سختی های جنگ را به شیرینی شکست دشمنان خدا در دنیا جبران می کند. و چه شیرینی بالاتر از اینکه ملت بزرگ ایران مثل یک صاعقه بر سر آمریکا فرود آمده است. چه شیرینی بالاتر از اینکه ملت ایران سقوط ارکان و کنگره های نظام ستمشاهی را نظاره کرده است و شیشه حیات آمریکا را در این کشور شکسته است و چه شیرینی بالاتر از اینکه مردم عزیزمان ریشه های نفاق و ملی گرایی و التقاط را خشکانیده اند. و انشاءالله شیرینی تمام ناشدنی آن را در جهان آخرت خواهند چشید.

ای خواب رفتگان! ای غفلت زدگان!

بیدار شوید

و حال آنکه این وظیفه اولیه ما و انقلاب اسلامی ماست که در سراسر جهان صدا زیم که ای خواب رفتگان! ای غفلت زدگان! بیدار شوید و به اطراف خود نگاه کنید که در کنار لانه های گرگ منزل گرفته اید. برخیزید که اینجا جای خواب نیست! و نیز فریاد کشیم سریعاً قیام کنید که جهان ایمن از صیاد نیست! آمریکا و شوروی در کمین نشسته اند، و تا نابودی کاملتان از شما دست بر نخواهند داشت. راستی اگر بسیج جهانی مسلمین تشکیل شده بود، کسی جرأت این همه جسارت و شرارت را با

نظام اسلام رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - را در جهان استکبار ترویج نماییم. و دیر یا زود ملت های دریند شاهد آن خواهند بود. ما با تمام وجود از گسترش باج خواهی و مصونیت کارگزاران آمریکایی، حتی اگر با مبارزه قهرآمیز هم شده باشد، جلوگیری می کنیم.

موازنه قوا به نفع مسلمین

مسلمانان باید بدانند تا زمانی که تعادل قوا در جهان به نفع آنان برقرار نشود، همیشه منافع بیگانگان بر منافع آنان مقدم می شود، و هر روز شیطان بزرگ یا شوروی به بهانه حفظ منافع خود حادثه ای را به وجود می آورد. راستی اگر مسلمانان مسائل خود را به صورت جدی با جهانخواران حل نکنند و لاقلاً خود را به مرز قدرت بزرگ جهان نرسانند، آسوده خواهند بود؟ هم اکنون اگر آمریکا یک کشور اسلامی را به بهانه حفظ منافع خویش با خاک یکسان کند، چه کسی جلوی او را خواهد گرفت؟ پس راهی جز مبارزه نمانده است، و باید جنگ و دندان ابرقدرت ها و خصوصاً آمریکا را شکست، و الزاماً یکی از دو راه را انتخاب نمود: یا شهادت. یا پیروزی. که در مکتب ما هر دوی آنها پیروزی است. که انشاءالله خداوند قدرت شکستن چهارچوب سیاست های حاکم و ظالم جهانخواران، و نیز جسارت ایجاد داریست هایی بر محور کرامت انسانی را به همه مسلمین عطا فرماید، و همه را از افول ذلت به صعود عزت و شوکت همراهی نماید.

فریاد مردم فلسطین همان الله اکبر ملت ماست که شاه را سرنگون کرد

حماسه مردم فلسطین یک پدیده تصادفی نیست. آیا دنیا تصور می کند که این حماسه را چه کسانی سروده اند و هم اکنون مردم فلسطین به چه آرمانی تکیه کرده اند که بی محابا و با دست خالی در برابر حملات وحشیانه صهیونیست ها مقاومت می کنند؟ آیا تنها آوای وطنگرایی است که از وجود آنان دنیایی از صلابت آفریده است؟ آیا از درخت سیاست بازار خود فروخته است که بر دامن فلسطینیان میوه استقامت و زیتون نور و امید می ریزد؟ اگر اینچنین بود، اینها که سال هاست در کنار فلسطینیان و به نام ملت فلسطین نان خورده اند! شکی نیست که این آوای الله اکبر است، این همان فریاد ملت ماست که در ایران شاه را و در بیت المقدس غاصبین را به نومیدی کشاند و این تحقق همان شعار برائت است که ملت فلسطین در تظاهرات حج دوشادوش خواهران و برادران ایرانی خود فریاد رسای آزادی قدس را سر داد و مرگ بر آمریکا، شوروی و اسرائیل گفت، و بر همان بستر شهادتی که خون عزیزان ما بر آن ریخته شد او نیز با نثار خون و به رسم شهادت آرمید. آری، فلسطینی راه گم کرده خود را از راه برائت ما یافت و دیدیم که در این مبارزه چطور حصارهای آهنین فروریخت، و چگونه خون بر شمشیر و ایمان بر کفر و فریاد بر گلوله پیروز شد، و چطور خواب بنی اسرائیل در تصرف از نیل تا فرات آشفته گشت، و دوباره کوبک دریه فلسطین از شجره مبارکه لاشرقیه ولاغربیه ما برافروخت و امروز به همان گونه که فعالیت های وسیعی در سراسر جهان برای به سازش کشیدن ما با کفر و شرک در جریان است، برای خاموش کردن شعله های خشم ملت مسلمان فلسطین نیز به همان شکل ادامه دارد. و این تنها یک نمونه از پیشرفت انقلاب است. و حال آنکه معتقدین به اصول انقلاب اسلامی ما در سراسر جهان رو به فزونی نهاده است و ما این ها را سرمایه های بالقوه انقلاب خود تلقی می کنیم و هم آنهایی که با مرکب خون طومار حمایت از ما را امضا می کنند و با سر و جان دعوت انقلاب را لایک می گویند و به یاری خداوند کنترل همه جهان را به دست خواهند گرفت.

جنگ پابرهنگان و مرفهین بی درد

امروز جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنا، جنگ

این پیام امام خمینی در تابستان ۶۷ و به مناسبت قبول قطعنامه ۵۹۸ و نخستین سالگرد کشتار وحشیانه زائران بیتا... الحرام صادر شده است. این پیام که کمتر از یکسال قبل از وفات امام خمینی صادر شده، از نبرد تاریخی و تمام عیار میان حق و باطل خبر می دهد و بر این که این نبرد جغرافیا و مرز نمی شناسد، تأکید دارد. حضرت روح ا... در این پیام، فرزندان معنوی خود را به تشکیل بسیج جهانی سربازان اسلام فرمان می دهد و پیشاپیش آنان را به پیروزی بشارت می دهد.

... و در یک کلام اسلام آمریکایی

کارنامه سیاه و ننگین حاکمان بی درد کشورهای اسلامی حکایت از افزودن درد و مصیبت بر پیکر نیمه جان اسلام و مسلمین دارد. پیامبر اسلام نیازی به مساجد اشرافی و مناره های تزئینی ندارد. پیامبر اسلام دنبال مجد و عظمت پیروان خود بوده است که متاسفانه با سیاست های غلط حاکمان دست نشانده به خاک مذلت نشسته اند. مگر مسلمانان جهان فاجعه قتل عام صدها عالم و هزاران زن و مرد فرقه های مسلمین در طول حیات ننگین آل سعود و نیز جنایت قتل عام زائران خانه خدا را فراموش می کنند؟ مگر مسلمانان نمی بینند که امروز مراکز وهابیت در جهان به کانون های فتنه و جاسوسی میدل شده اند، که از یک طرف اسلام اشرافیت، اسلام ایوسفیان، اسلام ملاحای کثیف درباری، اسلام مقدس نماهای بی شعور حوزه های علمی و دانشگاهی، اسلام ذلت و نکبت، اسلام پول و زور، اسلام فریب و سازش و اسارت، اسلام حاکمیت سرمایه و سرمایه داران بر مظلومین و پابرهنگها و در یک کلمه اسلام آمریکایی را ترویج می کنند و از طرف دیگر، سر بر آستان سرور خویش، آمریکای جهانخوار، می گذارند.

آیا شرم آور نیست؟

واقعا چقدر باید رابطه سران کشورهای اسلامی با صهیونیست ها گرم و صمیمی شود تا در کنفرانس سران کشورهای اسلامی مبارزه صوری و ظاهری هم با اسرائیل از دستور کار آنان و جلسات آنان خارج شود. اگر این ها یک جو غیرت و حمیت اسلامی و عربی داشتند، حاضر به یک چنین معامله کثیف سیاسی و خودفروشی و وطن فروشی نمی شدند. آیا این حرکات برای جهان اسلام شرم آور نیست؟ و تماشای شدن گناه و جرم نمی باشد؟ آیا از مسلمانان کسی نیست تباخیزد و این همه ننگ و عار را تحمل نکند؟ راستی ما باید بنشینیم تا سران کشورهای اسلامی احساسات یک میلیارد مسلمان را نادیده بگیرند و صحنه بر آن همه فجاج صهیونیست ها بگذارند، و دوباره مصر و امتال آن را به صحنه بیاورند؟

درصدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهانخواران بوده و هستیم

البته ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین الملل اسلامی مان بارها اعلام نموده ایم که درصدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهانخواران بوده و هستیم. حال اگر نوکران آمریکا نام این سیاست را توسعه طلبی و تفکر تشکیل امپراتوری بزرگ می گذارند، از آن باکی نداریم و استقبال می کنیم. ما درصدد خشکانیدن ریشه های فاسد صهیونیسم، سرمایه داری و کمونیسم در جهان هستیم. ما تصمیم گرفته ایم، به لطف و عنایت خداوند بزرگ، نظام هایی را که بر این سه پایه استوار گردیده اند نابود کنیم، و

بررسی تاثیرهای انقلاب اسلامی در کشورهای اسلامی

انقلاب اسلامی در زمانی اتفاق افتاد که از آن دوران به دوران «جنگ سرد» تعبیر می‌کنند. در آن زمان هیچ حرکت سیاسی بدون وابستگی فکری به دو قطب شناخته شده شرق و غرب معنا نداشت و تئوری مبارزه به طور کلی با الهام از شرق کمونیستی تعریف می‌شد. مبارزان اصلی در کشورهای اسلامی در اقلیت بودند و بیشتر گروه های مسلمان هم تحت تأثیر تفکرها و روش های گروه های چپ قرار داشتند. در چنین شرایطی بود که انقلاب اسلامی اتفاق افتاد به نحوی که در گفتمان انقلابی از آن به «انقلاب نور» تعبیر کرده اند. پیروزی انقلاب فصل تازه ای را در حوزه تمدنی اسلام باز کرد و علاوه بر تأثیر در پیرامون خود، تلقی های تاریخی مدرن را هم مخدوش کرد. تا قبل از آن تصور می شد که مذهب به دوران پیشامدرن تعلق دارد و نمی تواند جایی در اجتماع داشته باشد اما با انقلاب اسلامی این اسطوره شکسته شد. در طول دوران استعمار و حکومت های وابسته اعتماد به نفس مسلمانان نیز از دست رفته بود و بسیاری از مسلمان ها تنها پایبندی به احکام عبادی را حفظ کرده بودند، اما انقلاب اسلامی قدرتمندانه واقعیت ها را تغییر داد و چراغ های امید تازه ای را برای مسلمانان روشن کرد. قدس که در طی چند دهه مهم ترین دغدغه مسلمانان به شمار می رفت تحت تأثیر انقلاب اسلامی از مظلومیت خارج شد و با اعلام روز جهانی قدس توافق و اتحادی حداقلی برای احقاق حقوق مسلمانان در فلسطین ایجاد شد.

◀ **انقلاب فراتر از ایران:** انقلاب به خودی خود در فراتر از پیرامون ایران تأثیر گذار بود. نفس براندازی حکومت پهلوی، که وابستگی مشخصی به غرب داشت، نه تنها برای مسلمانان بلکه برای سایر گروه های مبارز هم معنادار بود و در اولین گام سطره کمونیسم بر تفکر مبارزین انقلابی را تضعیف کرد. این اولین سطح تأثیر گذاری بود که بدون تصمیم و اراده اتفاق می افتاد. انقلاب ایران با ایجاد امید در همه مسلمانان، در میان شیعیان تأثیر خاصی در جهت جهاد و مبارزه باقی گذاشت و در میان اهل تسنن نیز انگیزه رقابتی ایجاد کرد.

◀ **جان گرفتن جنبش های رهایی بخش:** بنابراین تیش تاریخی انقلاب اسلامی را می توان به دو بخش سیاسی و فرهنگی تقسیم کرد. در قدم اول جنبش های سیاسی که به دنبال تغییرات مشابه بودند جان گرفتند و برای شدت دادن مبارزاتشان انگیزه مضاعفی پیدا کردند. ارزش هایی چون جهاد، شهادت و فداکاری که شالوده حرکت های انقلابی شیعیان را تشکیل می دهد به عنوان اصول اساسی مبارزه پذیرفته شد. در قدم دیگر حرکت ها و جنبش هایی که اساسا فرهنگی بودند و برای اجرای احکام دینی و زنده کردن روح اسلام تلاش می کردند امید تازه ای یافتند و با الگو گرفتن از حرکات انقلاب اسلامی با نیرو و دلگرمی بیشتری در مسیر تجدید هویت اسلامی حرکت کردند.

◀ **معنای واقعی صدور انقلاب:** پس از سطح غیرارادی سطح دیگری از تأثیر گذاری آغاز شد و آن اندیشه «صدور انقلاب» برای نجات ملت ها بود. بهترین تعبیر برای توضیح این راهبرد و رفع سوء تفاهم های احتمالی سخنان امام خمینی (ره) است که در مورد صدور انقلاب فرموده اند: «این که می گوئیم باید انقلاب ما به همه جهان صادر بشود، این معنی غلط را از او برداشت نکنند که ما می خواهیم کشورگشایی کنیم... معنی صدور انقلاب ما این است که همه ملت ها بیدار بشوند و همه دولت ها بیدار بشوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند و از این تحت سلطه بودنی که هستند و از این که همه مخازن آن ها دارد به باد می رود و خودشان به نحو فقر زندگی می کنند نجات بدهد.» (صحیفه نور - ج ۱۳ - ص ۲۸۱)

◀ **تأثیرهای سیاسی انقلاب اسلامی:** تأثیرهای فرهنگی عموماً ناملموس هستند و نمی توان به آن ها اشاره مستقیمی داشت اما در عوض تأثیرهای سیاسی نشانه های بارزی دارند که می توان با روشنی بیشتری در باره آنها سخن گفت. اولین بازتاب های سیاسی انقلاب اسلامی در منطقه ای اتفاق افتاد که در گفتمان راهبردی غرب «خاورمیانه» خوانده می شود. این منطقه به دلیل منابع سرشار نفت و موجودیت جعلی اسرائیل برای غرب اهمیت فراوانی دارد و آثار انقلاب اسلامی در این منطقه، به خصوص از آن جهت که انقلاب اسلامی پیش بینی نشده و غافلگیر کننده بود، بسیار تلخ و پرهزینه بوده است. ◀ **لبنان:** لبنان شاید بیشترین تأثیر را از انقلاب ایران پذیرفته باشد. شیعیان لبنان از چند قرن پیش با ایرانیان پیوند داشته اند و دوره صفویه اوج این ارتباط بوده است. بعد از انقلاب اسلامی جنبش امل که پیش از آن با «حرکت المحرومین» و رهبری امام موسی صدر آغاز شده بود جان تازه ای گرفت و «امل اسلامی» با تمایلات انقلابی از آن منشعب شد. «حزب ا... لبنان» نیز با تأثیرپذیری مستقیم از انقلاب اسلامی در ۱۹۸۰ تشکیل شد. حزب... رهبری سیاسی و مذهبی ایران را به طور کامل پذیرفته و خود را پایبند به ولایت فقیه می داند. پیروزی های حزب ا... بر اسرائیل بیشترین ضربه را به برنامه های غرب در خاورمیانه زده و محبوبیت زیادی نیز در کشورهای عربی به دست آورده است. در میان گروه های سنی لبنان «جنبش توحید اسلامی» نیز صراحتاً از انقلاب اسلامی حمایت کرده و پس از انقلاب شاهد رشد فعالیت بوده است.

◀ **فلسطین:** در فلسطین تا قبل از انقلاب اسلامی گروه های مقاومت معتقد به ایدئولوژی های ناسیونالیستی یا چپ گرایانه بودند اما پس از انقلاب خون تازه ای به رگ های فلسطین جاری شد. جنبش «جهاد اسلامی» از اخوان المسلمین فلسطین منشعب شده و یک سال بعد از انقلاب اسلامی در ۱۹۸۰ تشکیل شد. این جنبش به رهبری شهید فتحی شقافی مستقیماً از انقلاب اسلامی الگو گرفته است. گروه سیاسی سازمان مقاومت اسلامی موسوم به «حماس» نیز در همان سال اعلام موجودیت کرد. حماس تأثیرپذیری مشخصی از انقلاب اسلامی دارد و مناسبات مطلوبی نیز با جمهوری اسلامی رقم زده است. این دو گروه معتقد به راهبرد مقاومت و نابودی کامل اسرائیل هستند و تا کنون حاضر به شناسایی رژیم صهیونیستی نشده اند. جوشش انتفاضه اول (۱۹۸۷) نیز بارها متأثر از پیروزی انقلاب اسلامی تفسیر شده است.

◀ **عراق:** عراق به دلیل جمعیت بالای شیعیان و همجواری با ایران از کانون های اصلی تأثیر گذاری انقلاب اسلامی بوده است. «حزب الدعوة» به رهبری شهید صدر اولین حزبی بود که از شکل گیری مبارزات مردمی علیه رژیم پهلوی در ایران استقبال کرد. پس از آن «مجلس اعلای انقلاب اسلامی» که توسط گروهی از روحانیون به رهبری محمدباقر حکیم تشکیل شده بود به میدان آمد و یکی از اصول خویش را اعتقاد به جمهوری اسلامی اعلام نمود. مجلس اعلا از ابتدا در ایران استقرار یافت و در جریان جنگ ایران و عراق نیز علیه حکومت

استبدادی صدام فعالیت هایی داشته است. ◀ **عربستان:** در عربستان تحت تأثیر انقلاب اسلامی دو جنبش سنی و شیعه به وجود آمد. جنبش سنی به رهبری اخوان المسلمین تلاش کرد تا مکه را آزاد و رژیم سعودی را تحت فشار قرار بدهد اما موفقیتی به دست نیاورد. جنبش شیعی نیز با عنوان «سازمان انقلاب اسلامی» اعلان موجودیت کرد و در عاشورای ۱۹۷۹ درگیری هایی را در استان قطیف به وجود آورد که پس از آن مقر خود را به ایران انتقال داد. این سازمان با انتشارات خود تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی را ثابت کرده است.

◀ **بحرین:** در بحرین گروه «جبهه اسلامی برای آزادی بحرین» بعد از انقلاب اسلامی به وجود آمد و آشکارا به سمت ایران گرایش پیدا کرد اما چند سال بعد از انقلاب بسیاری از اعضای آن دستگیر و زندانی شدند. ◀ **کویت:** در کویت نیز بعضی جنبش هایی اسلامی (مانند حزب...) پس از انقلاب ایران به مخالفت با سلطه خاندان الصباح پرداخته اند.

◀ **یمن:** در یمن پیروزی انقلاب اسلامی اثرهای مشخصی به جای گذاشت. بدرالدین الحوثی رهبر حوثی های یمن به رهبری امام خمینی (ره) تمایل آشکاری داشت و مدت کوتاهی نیز به ایران سفر کرد. گفته می شود فرزند وی (شهید حسین الحوثی) نیز مدتی در ایران و شهر قم سکونت داشته است. حسین الحوثی هدایت «حزب الحق» را بر عهده گرفت و در انتخابات ۱۹۹۳ به پارلمان هم راه یافت. حزب الحق طی یک دهه تلاش کرد از راه های سیاسی به تبعیض های حکومت بر شیعیان و اهالی استان صعده پایان دهد اما در نهایت وادار به رویارویی مسلحانه با رژیم علی عبدا... صالح شد. تا کنون شش دوره جنگ در یمن میان شیعیان و حکومت مرکزی اتفاق افتاده است که در آخرین آنها حکومت یمن با وجود حمایت ارتش عربستان و آمریکا نیز نتوانست موفقیت چشمگیری به دست بیاورد.

◀ **مصر:** در مصر انقلاب اسلامی تأثیر مستقیمی نداشت اما پیروزی انقلاب باعث رادیکال شدن جنبش های اسلامی شده و جنبش های میانه رو را به فعالیت بیشتر تشویق کرده است. پس از انقلاب اسلامی شیوه مبارزه فعال رونق گرفت و اوج آن هدف قراردادن انورسادات در اکتبر ۱۹۸۱ توسط سازمان «الجهاد» تحت رهبری عبدالسلام فرج بود. این تأثیر غیرمستقیم بر جنبش هایی مانند «جهاد اسلامی» و «الیسار الاسلامی» نیز تا حدودی مشهود بوده و حتی «اخوان المسلمین» نیز انگیزه بیشتری یافته و با تشکیل حزب سیاسی از ۱۹۸۴ موفق به راهیابی به پارلمان شده اند. در آستانه انقلاب اسلامی بسیاری از اعضای «سازمان آزادیبخش اسلامی مصر» که از انشعابات اخوان المسلمین است دستگیر و زندانی شدند و پس از آن این سازمان به یک جنبش زیرزمینی تبدیل شد.

◀ **ترکیه:** انقلاب اسلامی در ترکیه نیز اثر غیرمستقیم داشته که نشانه های آن در دراز مدت آشکار می شود. با انقلاب ایران در ذهن مردم مسلمان ترکیه، که سال ها مرکز حکومت عثمانی بوده است، اندیشه تشکیل نوعی از حکومت اسلامی تقویت شد. در اروپا گروهی با عنوان «سازمان اسلامی» در ۱۹۸۵ تأسیس شد که به رهبری

جمال الدین کاپلان در صدد انقلابی مشابه در ترکیه بود. در سال های پس از کودتای ۱۹۸۰ ترکیه دوران پرتلاطمی داشته اما در سال های اخیر ارزش های اسلامی در ترکیه تجدید حیات داشته اند. موفقیت های سیاسی حزب عدالت و توسعه، مناسبات مطلوب با ایران و مخالفت با سیاست های تجاوزکارانه اسرائیل از نشانه های تقویت اسلام سیاسی در ترکیه است. اما تأثیرات انقلاب اسلامی به خاورمیانه محدود نبوده و در سایر حوزه های تمدن اسلامی نیز کمابیش اثر گذار بوده است:

◀ **آفریقا:** پیروزی انقلاب اسلامی در کشورهای اسلامی آفریقا باعث تحرک گروه های مسلمان شد. در سودان «جبهه اسلامی قومی» منشعب از اخوان المسلمین به رهبری دکتر حسن ترابی با ایران روابط نزدیکی پیدا کرد. در الجزایر «جبهه نجات اسلامی» گروهی بانفوذ در میان مردم و حامی جمهوری اسلامی بود اما در پی اظهار نظر رهبر آن عباس مدنی مبنی بر تشکیل حکومت اسلامی اعضای آن دستگیر و زندانی شدند. در مراکش «گروه عدل و احسان» به رهبری عبدالسلام یاسین فعالیت می کردند که به علت حمایت از جمهوری اسلامی رهبر این گروه زندانی شد. در تونس «حزب نهضت تونس» بعد از انقلاب در ایران مجدداً جواز فعالیت گرفت، با اینکه این گروه معتقد به اجرای دستورات دینی بدون اقدام نظامی بودند اما به علت نفوذ زیاد، رییس و اعضای اصلی آن به اتهام کودتا تا جاسوسی برای ایران دستگیر و زندانی شدند. گروه های دیگری نیز در مغرب عربی از انقلاب اسلامی تأثیر پذیرفته اند.

◀ **افغانستان:** در شرق حوزه تمدنی ایران و در افغانستان، نه ماه پس از کودتای مارکسیستی، انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و به سرعت در مبارزات مردم افغانستان اثرگذار شد. علاوه بر تأثیرات انگیزشی و معنوی، گروه های مجاهد از تاکتیک های مبارزات مردمی ایران نیز الهام گرفتند، قیام های مردمی در شهرهای هرات و کابل در سال ۱۹۷۹ نمونه های مهم از شیوه جهاد مردمی بود. گروه های مبارز شیعی و سنی زیادی علیه اشغال شوروی و دولت کمونیستی دست به قیام مسلحانه زدند که تمام احزاب شیعی مبارز به ایران وابسته بودند و کمک های مالی و تسلیحاتی را از ایران دریافت می کردند. بعضی گروه های سنی نیز مورد حمایت ایران بوده اند و می توان گفت که انقلاب اسلامی ایران بیشترین تأثیر را در منطقه افغانستان به جا گذاشته است. همچنین تحت تأثیر انقلاب اسلامی در تاجیکستان و ازبکستان نیز حرکت هایی دیده شده است.

◀ **پاکستان:** در پاکستان پس از انقلاب اسلامی «نهضت فقه جعفری» در میان شیعیان تشکیل شد. این نهضت رابطه نزدیکی با نهضت امام خمینی (ره) داشت به طوری که پس از شهادت عارف حسین حسینی امام پیامی صادر کرده و از شخصیت رهبر این گروه تجلیل نمودند. منطقه کشمیر نیز که به دلیل وضعیت فرهنگی آن ایران کوچک نیز خوانده می شود مستقیماً از انقلاب اسلامی تأثیر پذیرفته است. موجودیت گروه های استقلال طلب کشمیری همانند «جبهه آزادی جامو و کشمیر» تحت تأثیر انقلاب اسلامی بوده است. «پاسداران انجمن شرعی شیعیان» و «جبهه اتحاد المسلمین» به رهبری مولوی عباس انصاری نیز پس از انقلاب اسلامی اعلام موجودیت نموده اند. مردم مسلمان کشمیر چون از راه های مسالمت آمیز ناامید شدند از سال ۱۹۸۹ انتفاضه و قیام تازه ای به راه انداختند که تا کنون شهادی بسیاری در این راه قربانی مبارزه برای استقلال شده اند. در پایان می توان گفت که انقلاب اسلامی به طور کلی در جریان بیداری اسلامی تأثیر گذار بوده است. آثار انقلاب اسلامی در مواردی باعث تجدید حیات اسلامی و در موارد دیگر پیروزی های چشمگیر سیاسی به دنبال داشته است. بنابراین پس از انقلاب وضعیت اجتماعی و سیاسی مسلمانان به سمت بهبود حرکت کرده و می توان وضعیت فعلی مسلمانان را در این کلام مقام معظم رهبری خلاصه نمود که: «علی رغم گذشت بیش از یکصد و پنجاه سال از برنامه ریزی مدرن و همه جانبه علیه اسلام، امروز در سراسر دنیا یک حرکت عظیم اسلامی به وجود آمده است که به موجب آن اسلام در آفریقا، آسیا و حتی در قلب اروپا، حیات جدیدی را باز یافته و مسلمانان به شخصیت و هویت واقعی خود پی برده اند.» ▶▶



روابط فرهنگی جمهوری اسلامی با قاره سیاه

در گفت و گو با محمد برازا، مدیر رادیو سواحیلی برون مرزی

باسرعسگری

محمد برازا، ۴۳ ساله و اهل کنیاست. بیش از پانزده سال است که پس از دریافت لیسانس علوم اسلامی از حوزه علمیه قم (جامعة المصطفی العالمیه)، در رادیو سواحیلی صدای جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌کند. وی به مدت سیزده سال است که مدیریت این رادیو را بر عهده دارد. زبان سواحیلی عضوی از خانواده زبان‌های بانتو است و در شرق آفریقا به کار می‌رود. سواحیلی زبان اول حدود ۵ میلیون نفر و زبان دوم حدود ۵۰ میلیون نفر از ساکنان آفریقا است. علاوه بر عربی، واژگان زبان‌های فارسی، آلمانی، هندی و انگلیسی نیز به دلیل ارتباطات با دیگر خانواده‌های زبانی وارد این زبان شده‌است.

◀◀ مردم کنیا چه تصویری از ایران دارند و شما هم که به ایران آمدید چه تصویری از ایران داشتید؟ آنجا ایران را چطور می‌شناسند؟ دیدگاه مسلمانان با دیدگاه غیر مسلمانان کنیا و آفریقا با هم فرق دارد. به خاطر این تبلیغ سویی که از طرف رسانه‌های غربی علیه ایران انجام می‌شود می‌توان گفت بیشتر مردم کنیا، ایران را دقیقاً نمی‌شناسند. این را هم باید قبول کنیم که این تبلیغات منفی و تصورات مردم منطقه نسبت به ایران تأثیرگذار است. اما با این حال مسلمانان آنجا به ایران علاقه مند هستند قبل از پیروزی انقلاب اسلامی مردم آنجا ایران را نمی‌شناختند اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مردم منطقه کم کم به ایران توجه پیدا کردند، حکومتی که بر اساس مبارزات و عقاید اسلامی بوجود آمده و آن هم فقط دولت ایران است. بنابراین علاقه مند شدند که این ایران چیست؟ چه کار می‌کند؟ در کدام منطقه جغرافیایی است؟ نظریاتش درباره اداره جامعه چیست؟ و هنوز هم این علاقه وجود دارد که ایران را بیشتر و بهتر بشناسند. از طرفی دیگر، غیرمسلمانان با این که همیشه اسم ایران را در رسانه‌های خبری جهان می‌شنوند که با آمریکا، استخبار جهانی و قدرت‌های بزرگ می‌جنگد، آنها هم دوست دارند که موضع گیری ایران در مورد مسائل مختلف جهانی چیست؟

مردم منطقه ما، خصوصاً علاقه مندانه به جمهوری اسلامی ایران خیلی‌هایشان دوست دارند ایران را از نزدیک ببینند. عده ای هم می‌خواهند ببینند که آیا این چیزهایی که رسانه‌های غربی علیه ایران دائماً پخش می‌کند واقعیت دارد یا نه؟ البته عده ای هم

تقویت شوند تا بتوانند با آن تبلیغات منفی مقابله کنند. ◀◀ الان شما به زبان سواحیلی چند ساعت برنامه دارید؟

ما تقریباً ۴ ساعت برنامه داریم که ۳ ساعت آن زنده است و یک ساعت آن تکراری است.

◀◀ شما اشاره کردید که رسانه‌های ایران باید قوی تر بشوند. اگر کمبودهای احتمالی بود چه و نیروهای شما تأمین شود، آیا می‌توانید به صورت یک شبکه شبانه روزی فعالیت کنید یا اینکه وقتش نرسیده است؟ آیا این کشش در مخاطب و تنوع و فراوانی مطالب دارید یا نه؟ آیا می‌توانید العالم و الکوثر به زبان سواحیلی یا هوسایی راه بیندازیم یا نه؟

فکر نمی‌کنم این قضیه خیلی مهم باشد و حتی نیاز باشد ما آمادگی پخش برنامه ۲۴ ساعته داشته باشیم، حتی اگر پولش و امکانات و نیرویش باشد. هدف ما نباید کمی باشد. کشورهای قدرتمند غربی همه چیز دارند ولی آن قدر برنامه زیاد ندارند. ما حتی بیشتر از برخی از آنها داریم برنامه پخش می‌کنیم. حداکثر زمان برنامه‌شان ۳ ساعت است آنها هم که کامل نیست به غیر از آلمان. بی بی سی دو ساعت و نیم برنامه در روز پخش می‌کند. پس مهم نیست که این ساعت‌های مان را افزایش بدهیم، چیزی که ما باید به آن توجه داشته باشیم کیفیت است، بتوانیم برنامه را با کیفیت عالی پخش کنیم. برنامه‌هایی که ما در منطقه پخش می‌کنیم از طریق موج کوتاه است و فکر نمی‌کنم موج کوتاه در این زمان کارایی داشته باشد، دریافت آن در منطقه با مشکلات زیادی همراه است و شنونده به سختی می‌تواند برنامه‌های ما را دریافت کند. در حالی که برنامه‌های آنها از طریق اف ام (FM) پخش می‌شود. برنامه‌ای که آنها پخش می‌کنند حتی از رادیوی محلی با کیفیت تر دریافت می‌شود. مشکل افزودن بودجه و تعداد نیرو نیست، یک ساعت باشد با کیفیت عالی بهتر از این است که چندین ساعت برنامه داشته باشیم بدون کیفیت.

◀◀ برای تغییر امواج رادیو سواحیلی از کوتاه به اف ام چه امکاناتی احتیاج دارید؟ چرا این کار صورت نمی‌گیرد؟

البته ما در حال مذاکره هستیم با رادیوهای محلی تا آنها برنامه‌های مان را تقویت کنند. ما موافقت معاونت

◀◀ بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مردم آفریقا کم کم به ایران توجه پیدا کردند، تنها حکومتی که بر اساس مبارزات و عقاید اسلامی بوجود آمده فقط دولت ایران است. بنابراین علاقه مند شدند که این ایران چیست؟ چه کار می‌کند؟ در کدام منطقه جغرافیایی است؟ نظریاتش درباره اداره جامعه چیست؟ و هنوز هم این علاقه وجود دارد که ایران را بیشتر و بهتر بشناسند

◀◀ مشکلی که دارید این است که رایزن‌های فرهنگی فقط فارسی می‌توانند صحبت کنند و نمی‌توانند با زبان انگلیسی یا زبان سواحیلی یا هوسایی صحبت کنند. حداقل زبان عربی بلد باشند. کسی که فقط فارسی بلد است، برای نزدیکی دو ملت و دو کشور چه کار می‌تواند بکند؟ این اثرات کارش را کم می‌کند

برون مرزی صدا و سیما را بدست آوریم. آنها گفتند اگر چنین رادیوهایی پیدا می‌شود با آنها مذاکره می‌کنیم. اما در این راه مشکلاتی هست. همان طوری که گفتم کشورهای ما زیر نفوذ قدرت‌های بزرگ مثل آمریکا، انگلیس و آلمان و فرانسه هستند که با ایران دشمنی دارند. کشورهای منطقه با جمهوری اسلامی رابطه خوبی نمی‌توانند برقرار کنند چون از قدرتمندان می‌ترسند. لذا ما با سختی می‌توانیم راجع به رله برنامه‌های جمهوری اسلامی با رادیوهای محلی مذاکره کنیم. صحبت‌هایی شده و مقدماتی را انجام دادیم تا از آنها کمک بگیریم، در برخی از مذاکرات توانستیم آنها را دعوت به همکاری کنیم و بر سر قیمت قرارداد با آنها داریم مذاکره می‌کنیم. امیدواریم که در آینده نزدیک بتوانیم برنامه‌های جمهوری اسلامی را با کیفیت خوب در منطقه پخش کنیم.

◀◀ رسانه‌های غربی در منطقه چه کار می‌کنند؟ چه برنامه‌هایی دارند؟ حضورشان فعال و پررنگ است یا نه؟

خیلی خیلی حضورشان پررنگ است به خاطر تعدد رسانه‌ها در کشورها، استودیوهای شخصی و غیر دولتی زیادی داریم. الان که با شما صحبت می‌کنم در کشور ما، کنیا، بیش از ۳۰ استودیو خصوصی داریم. بیشتر این استودیوهای رادیویی یا تلویزیونی برای تجارت و درآمدزایی تأسیس شده‌اند. حتی خودشان برنامه تولید نمی‌کنند. قبل از اینکه به فکر برنامه‌های تولیدی‌شان باشند ابتدا استودیو راه می‌اندازند و بعد به فکر برنامه‌هایش می‌افتند و لذا بیشتر از شبکه‌های غربی پول می‌گیرند و برنامه‌های آنها را رله می‌کنند. بسیاری افراد که مجوز استودیو و پخش برنامه داشته باشند ولی برنامه‌ای نداشته باشند. رسانه‌های غربی هم وقتی می‌بینند خلاصه برنامه‌ای دارند، برنامه‌های خود را از این طریق و با شبکه‌های محلی، هر چه می‌خواهند پخش می‌کنند. لذا عمده استودیوهای محلی منطقه، در تقویت رادیوهای غربی عمل می‌کنند. بدین ترتیب رسانه‌های غربی به خودشان زحمت راه اندازی ایستگاه یا ایستگاه‌های رادیو تلویزیونی نمی‌دهند، چون رسانه‌های محلی این کار را برای‌شان می‌کنند.

◀◀ پس با این حساب ایران و دیگر کشورهای اسلامی می‌توانند از این فرصت استفاده کنند و برنامه‌های‌شان را پخش کنند؟

بله! اما مشکل این است آنها از غرب و آمریکا می‌ترسند و به خاطر همین از ایران پرهیز می‌کنند. چون مواخذه می‌شوند تحریم می‌شوند. یک وقت یکی از کشورهای ما مجوز داده بودند تا بتوانیم استودیویی راه بیندازیم و برنامه‌های مان را پخش کنیم ولی در ادامه کار ترسیدند و قضیه به هم خورد. عمده برنامه‌های غربی مبتذل و بد است. خیلی‌ها می‌ترسند که این برنامه‌ها را کنار خانواده‌هایشان ببینند. برنامه‌هایی که غربی‌ها پخش می‌کنند اصلاً به فرهنگ ماها نمی‌خورند، صد درصد ضد فرهنگ آفریقا است.

◀◀ با توجه به مدت طولانی حضورتان در ایران آیا رسانه‌های ما، اساتید ما، هنرمندان و نویسندگان ما شناخت درستی از آفریقا دارند؟

متأسفانه نه. این را می‌توانم به جرات بگویم. شناخت درستی از آفریقا ندارند. نمی‌دانم چرا این مشکل پیش آمده است که اطلاعات خیلی کمی از آفریقا دارند. حتی تحصیل کرده‌ها و برخی اساتید شما هم اینطوری‌اند. شاید به خاطر این باشد که اهمیت زیادی به آفریقا نمی‌دهند. بیشتر فکشان به کشورهای اروپایی و آمریکایی است. نگاهشان به غرب است.



من منکر جنگ های قبیله ای، فقر و گرسنگی در آفریقا نیستیم. سوالم این است که چرا فقط آن تصویرهای منفی از آفریقا پخش می شود؟ چرا به نقاط مثبت آن نگاه نمی شود؟

تصویری که اینجا از آفریقا دارید این است که نه شهری است و نه کارخانه ای، مردم در بالای درخت ها یا بیابان ها یا این که در جنگل ها با شیر و حیوانات دیگر زندگی می کنند. آدم تعجب می کند از تصورات مردم مملکت شما. آدم ناراحت می شود وقتی این چیزها را می بیند. اما باز می گوید که این تقصیر رسانه های غربی است که این ذهنیت ها را برای مردم به وجود آورده اند.

◀◀ فرصت های اقتصادی، فرهنگی، هنری، اجتماعی و کشاورزی که به صورت متقابل هم برای ایران در آفریقا و هم برای آفریقایی ها در کشور ما وجود دارد چیست؟

فرصت ها خیلی زیاد است. انقلاب ایران چون یک انقلاب فرهنگی است و براساس فرهنگ اسلامی شکل گرفته، اگر تبادل فرهنگی با کشورهای آفریقایی داشته باشد، اثرات بسیار زیادی خواهد داشت. سعودی ها با اینکه تعلیم وهایی را در آنجا گسترش می دهند و تفکراتشان هم تفکرات خشک و سخت و غلطی است اما توانستند بسیار موفق باشند اگر چه اخیراً استقبال کمتری از آنها شده است. وهابیت در آنجا فول کرده است. شاید به خاطر فعالیت های کشورهای اسلامی دیگر مثل پاکستان یا ایران باشد. ایران اگر بتواند از طریق همین رایزنی های فرهنگی که دارد، فعالیت های فرهنگی اش را گسترش دهد، اثرات خیلی مثبتی می تواند داشته باشد. این کاری است که ایران توانش را دارد. متأسفانه گاهی اوقات مشکلی که دارید این است که رایزنی های فرهنگی فقط فارسی بلدند و نمی توانند با زبان سواحیلی یا هوسایی و حتی انگلیسی صحبت کنند. حداقل به خاطر این که از کشور جمهوری اسلامی می آیند، زبان عربی بلد باشند. کسی که فقط می تواند فارسی صحبت کند، برای نزدیکی دو ملت و دو کشور چه کار می تواند بکند؟ مشکل است. یک مترجم باید دائماً همراهش باشد و از طریق مترجم، منظور خودش را به مستمع برساند. این اثرات کارش را کم می کند. شما این را با رایزنی های فرهنگی یا مسیونرها یا مبلغان مسیحی کشورهای دیگر مقایسه کنید. آنها سالیان سال در یک منطقه می مانند و با مردم ارتباط نزدیک و تنگاتنگی می گیرند و از این لحاظ بسیار بر مردم و حتی مسئولان منطقه تأثیر گذار می شوند. لذا رایزنی های فرهنگی که از ایران می روند حداقل باید به زبان انگلیسی یا فرانسوی که زبان رسمی مناطق ماست آشنا باشند یا این که زبان عربی را بلد باشند چون عمده مسلمانان آنجا، عربی بلدند. ایران در زمینه فرهنگی فرصت های زیادی دارد و کارهای زیادی هم می تواند انجام دهد. در زمینه اقتصادی، خودش یک قدرت است. ایران در یک سری از مناصه های سدسازی و کارهای صنعتی یا راه سازی منطقه توانسته پیروز شود. اما اگر ایران بتواند از طریق روابط فرهنگی و اقتصادی روابطش را تقویت کند، بسیار موثر است هم مردم کشورهای آفریقایی، ایران و توانایی های ایران را بیشتر می شناسند و از سوی تبلیغات های منفی غرب هم رنگ می بازند.

ایرانیان سالیان سال، در کشورهای آفریقایی شرقی، حضور داشتند و چند صد سال پیش روابط تجاری با شرق آفریقا داشتند، اصلاً احزاب سیاسی در آنجا تأسیس کرده بودند به نام شیرازی ها در زنگبار و تانزانیا. حیف است که آن روابط گذشته را نادیده بگیریم. آنجا فقط یک جرقه می خواهد. البته هنوز شیرازی ها در منطقه هستند و مراسم نوروز و دیگر مراسم های ایرانی برگزار می شود. لذا یک فرصت بی نظیری آنجا آمده و مهیاست. از لحاظ کشاورزی هم ایران می تواند کمک های زیادی در ساخت و ساز سدها، کارخانه ها و تأسیسات بنیادی بکند و از آن طرف هم محصولات ارزان قیمت و فراوان منطقه را خریداری نماید.

◀◀ آیا در کنیا شخصیت های علمی - فرهنگی کشور ما غیر از امام و رهبری، شناخته شده اند؟ آیا تحصیل کرده های آنجا، امثال شهید مطهری، علامه طباطبایی و علمای حاضر را می شناسند و کتاب هایشان موجود است؟



آری! ولی گسترده نیست. در جمع های خاص مسلمان ها شناخته شده اند خصوصاً کسانی که با رایزنی های فرهنگی ارتباط دارند. چون کتاب های اسلامی زیادی در مراکز رایزنی های فرهنگی وجود دارد. شخصیت هایی مثل شهید مطهری و شهید بهشتی چون با انقلاب عجین هستند، شناخته شده ترند. اما شخصیت های دیگری مثل رازی، ابن سینا، مولوی و ملاصدرا جهانی هستند. اما مردم نمی دانند که اصالت شان ایرانی است. کافی است که این شخصیت ها به مردم منطقه معرفی شوند و بگویند که این شخصیت ها از ایران هستند.

◀◀ آیا از فیلم های ایرانی در آنجا استقبال می شود؟ مردم آفریقا به چه نوع فیلم ها و برنامه هایی بیشتر احتیاج دارند؟

بله! فیلم های فرهنگی اجتماعی تماشاگر بیشتری خواهند داشت. اگر فیلم های ایرانی به خصوص فیلم های خانوادگی و اجتماعی و اخلاقی دوبله شوند اثرات زیادی می توانند داشته باشند. درست است که مردم آنجا عمدتاً فیلم های غربی می بینند و می دانند بد و غیراخلاقی و مخرب است، اما جایگزینی برای آن ها هم ندارند. فیلم های جایگزین آن را ندیدند. چون عمده کشورها توان جدی در عرصه ساخت فیلم اجتماعی و فرهنگی ندارند، حتی نمی توانند برنامه تلویزیون های محلی خودشان را تأمین کنند، و از طرف دیگر افزایش رسانه های غربی برای ترویج فرهنگ غربی و سیاست های خودشان است، لذا به فیلم های غربی گرایش هست چون ناچارند.

◀◀ به خاطر حضورتان در ایران، شناختی هم از ایران و جوانان ایرانی پیدا کردید؟

جوانان تحصیل کرده ایرانی اول باید به همه نقاط دنیا توجه داشته باشند. متأسفانه توجه آنها به آفریقا کم است. خوشبختانه الان با سیاست های دولت فعلی، جوانان متوجه آمریکای لاتین شدند ولی هنوز به آفریقا توجه کافی ندارند. علتش چیست؟ نمی دانم. اما آفریقا را نمی شناسند. شاید به خاطر تبلیغات منفی باشد که علیه آفریقا می شود. نگاه بیشتر جوانان و اساتید و حتی مسئولان شما به غرب است، آمریکا و اروپا. جوانان تحصیل کرده ایرانی باید در مراسم ها و برنامه هایی که برای بزرگداشت آفریقا یا روز استقلال یا روز ملی کشورهای آفریقایی برگزار می شود، حضور داشته باشند. برنامه ها و دوره هایی برای شناخت مناطق مختلف جهان از جمله آفریقا داشته باشند. در کنفرانس ها و اجلاس های مرتبط با آفریقا شرکت کنند. با شخصیت هایی که از آفریقا به ایران می آیند، جلسه داشته باشند. با سفارت های کشورهای آفریقایی ارتباط داشته باشند و البته این به نفع جمهوری اسلامی و خودشان است. آفریقا فرصت و محل مناسبی است. هم از لحاظ اقتصادی، هم از لحاظ صنعتی، هم از لحاظ کشاورزی، هم از لحاظ فرهنگی و سیاسی. اگر این ها را الان بدانند زمانی که مسئول دولتی شدند، بهتر

دست بگیرید. وقتی جوانان ایرانی این مسائل را در نظر بگیرند لازم است که زبان های دومی مانند انگلیسی، آلمانی، فرانسوی و عربی را یاد بگیرند. شما چگونه می خواهید پژوهش های خود را به همه دنیا بدهید بدون اینکه زبان دومی نداشته باشید؟! ▶▶

◀◀ فکر می کنید مهمترین مشکلات و چالش هایی که پیش روی جوانان ایرانی است چیست؟

مهمترین مشکلی را که در جوانان ایرانی می بینم، نفوذ فرهنگ غربی در آن هاست. الان فرهنگ غربی، کم کم در کشور تزریق می شود و توسط جوان ها هم پذیرفته می شود. الان زندگی برخی از جوانان ایرانی بر اساس فرهنگ غربی است. برای برخی از مسلمانان کشور ما و حتی اقوامی که به ایران می آیند، قابل درک نیست. چون تصورات دیگری از ایران دارند و فکر می کنند که همه مردم با حجاب و پوشش اسلامی دارند. مشکل دیگر مسأله رواج مواد مخدر است. شاید در میان جوانان زیاد نباشد ولی خطری جدی است. در محل سکونت خودم یا دوستانم جوان هایی را دیدم که تحت تأثیر این مواد بودند. اگر دولت اقدام جدی نکند تهدیدی برای آینده این کشور و نظام جمهوری اسلامی است.

◀◀ اگر در پایان گفتگو صحبتی دارید، بفرمایید. نکته ای که باید به آن اشاره کنم این است که ایران باید حضور جدی تری در منطقه آفریقا داشته باشد و درست است که بیشتر دولتمردان یا کشورهای آفریقایی تحت تأثیر غرب و ابرقدرت ها هستند و از آن ها می ترسند. از طرفی ایران هم باید خودش را فعال تر در منطقه نشان بدهد و حضور پر رنگی داشته باشد، روابطش را با کشورهای منطقه افزایش دهد. این کشورها منابع زیادی دارند که بکر است. از طرفی ایران هم توانمندی های زیادی در عرصه های مختلف اقتصادی، کشاورزی، صنعتی و علمی دارد. البته هیچ کشوری در منطقه ایران را درست نمی شناسد و بسیاری از آن ها از توانمندی ها و ظرفیت های ایران خبر ندارند. فکر می کنند که ایران یک کشور عربی است. وقتی با مسئولان آن کشورها برای مصاحبه تماس می گیریم با زبان عربی صحبت می کنند، چون که فکر می کنند زبان ایرانی ها، عربی است. شما حد و اندازه تبلیغات منفی علیه خودتان در کشورهای آفریقایی را نمی دانید. آنها دائم تبلیغ می کنند که ایرانی ها تروریست هستند، خشونت در ایران بسیار زیاد است، مردم ایران چیزی ندارند که بخورند، اوضاع ایران را حتی بدتر از افغانستان گزارش می کنند. افغانستان هم نگوییم. جوری تبلیغ می کنند که مردم حتی آب خوردن هم ندارند. فکر می کنند مردم ایران در میان کوه ها و بیابان ها زندگی می کنند. یکی از دوستان ما که می خواست در سفارت کشورمان در ایران مشغول به فعالیت شود، چندین بطری آب با خودش آورده بود. وقتی از او پرسیدیم چرا؟ گفت فکر می کردم آب خوردن در ایران نباشد. آیا فکر می کنید وقتی چنین تبلیغی علیه شما در آفریقا صورت می گیرد، باید منتظر آفریقایی ها باشید یا اینکه خودتان دست به کار شود و برای رفع و خنثی کردن این تبلیغات به آن کشورها سفر کنید و مسئولان و دولتمردان شان را به ایران دعوت کنید تا ایران را از نزدیک ببینند. رسانه های خود را تقویت کنید و اوضاع ایران را از طریق رسانه های خودتان به جهانیان بشناسانید. آنهایی که از نزدیک ایران را دیدند، دروغ رسانه های غربی را متوجه شدند و فهمیدند که چنین چیزهایی درباره ایران واقعیت ندارد. آنها به ایران نمی آیند ولی در کشورهای همسایه ایران مثل بحرین، قطر، دبی و سعودی زیاد می آیند در صورتی که پتانسیل و ظرفیت های ایران را نمی توان با آن کشورها مقایسه کرد. ایران همه چیز دارد. البته این بر می گردد به خودتان و دولت هایتان که باید ایران را به کشورهای آفریقایی بشناسانید. نمایشگاه های صنعتی های ایرانی برگزار کنید. اگر چه نمایشگاه هایی در برخی کشورها برگزار می شود ولی این کافی نیست، باید بیشتر باشد. مسئولان و تجار ایرانی به آفریقا رفت و آمد بیشتری داشته باشند. از طرفی جوانان هم نگاهشان به آفریقا را تغییر بدهند چون این ها هستند که فردا و آینده کشور را رهبری و مدیریت می کنند. ▶▶

می توانند تصمیم بگیرند. این شناخت باید در همین زمان صورت بگیرد. الان در دانشگاه آزاد اسلامی، دو رشته مترجمی زبان های هوسایی و سواحیلی، تدریس می شود که از زبان های اصلی مردم آفریقا هستند. این رشته ها را انتخاب کنند تا بتوانند بیشتر با مردم آفریقا ارتباط برقرار کنند. الان ارتباطی بین جوانان ایرانی با جوانان آفریقایی برقرار نیست. چرا؟ اگر این اتفاق بیفتد ایرانی ها در زمینه های مختلف می توانند به برادران آفریقایی خود کمک کنند و آنها نیز همین طور.

◀◀ شما به عنوان کسی که از محیط دیگری به ایران آمدید، فکر می کنید جوانان ایرانی چه پتانسیل هایی دارند که از آنها غافلند؟

می توانم به امکاناتی که برای جوانان شما مهیاست اشاره بکنم. ممکن است در کشور شما مشکلات اقتصادی مثل بیکاری و گرانی باشد ولی این کمک هایی که دولت جمهوری اسلامی به جوان ها می کند، کم نظیر است. چون وقتی به کشورهای دیگر می روید، این امکاناتی که برای شما مهیاست مثل امکانات تحصیل، زندگی و سوبسیدهای فراوانی که در کشورتان وجود دارد، در آن کشورها وجود ندارد. خصوصاً امکانات تحصیلی که بسیار مهم است. این که دولت یک بودجه مخصوص برای جوانان و پیشرفت ها و تحقیقات علمی آن ها بگذارد تا بتوانند تحقیقات و پژوهش های فراوان داشته باشند مسأله کمی نیست. همین قدر را برخی کشورها ندارند. به نظر جوانان ایرانی باید در زمینه امکانات زبانی بیشتر کار کنند؛ یعنی اینکه حداقل یکی دو زبان دیگر را غیر از زبان مادری شان، یاد بگیرند. شما صحبت های رئیس جمهور احمدی نژاد را دقت کنید که گفتند شما جوانان ایرانی خودتان را برای اداره جهان آماده کنید. شما آینده روشنی دارید. شما باید رهبری و مدیریت جهان را به

◀◀ شما این را با رایزنی های فرهنگی یا مسیونرها یا مبلغان مسیحی کشورهای دیگر مقایسه کنید. آنها سالیان سال در یک منطقه می مانند و با مردم ارتباط نزدیک و تنگاتنگی می گیرند و از این لحاظ بسیار بر مردم و حتی مسئولان منطقه تأثیر گذار می شوند

◀◀ آیا فکر می کنید وقتی چنین تبلیغات منفی علیه شما در آفریقا صورت می گیرد، باید منتظر آفریقایی ها باشید یا اینکه خودتان دست به کار شود و برای رفع و خنثی کردن این تبلیغات به آن کشورها سفر کنید و مسئولان و دولتمردان شان را به ایران دعوت کنید تا ایران را از نزدیک ببینند. رسانه های خود را تقویت کنید و اوضاع ایران را از طریق آن ها به جهانیان بشناسانید

گفتمان «مقاومت» کلید تحقق خاورمیانه جدید

علی فادرانی

هر چند انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) یک رخداد سیاسی بود که در درون جامعه ایران صورت گرفت؛ اما ویژگی عام و جهانی آن که برخاسته از عنصر مذهب و خصلت دینی آن بود، موجب می شد که این تحول تاریخی در مرزهای جغرافیایی ایران اسلامی محدود نمانده و تا اقصی نقاط جهان اسلام و بلکه جوامع بشری تأثیرات عمیق و جدی به جای گذارد. تشکیل حزب ... لبنان، تقویت جریان مقاومت در فلسطین و گسترش موج بیداری اسلامی در سراسر جهان از جمله دست آوردهای انقلاب در ورای مرزهای جغرافیایی بوده است.

اندیشه های سیاسی - دینی حضرت امام(ره) تأثیرات عمیق و همه جانبه ای را بر نهضت های اسلامی از خود به جای گذاشت. رویکرد مثبت نسبت به مدیریت معقول تعلیم دینی در حوزه های مختلف حیات جمعی انسان، امید به آینده روشن و موفق و مهمتر از همه، اعتماد به هویت دینی و اسلامی جوامع مسلمان، از بارزترین تأثیرات حضرت امام(ره) در بخش نظری محسوب می گردد. پیوند عمیق و همه جانبه ای که امام (ره) بین انقلاب اسلامی ایران و نهضت های دینی در سراسر عالم برقرار می نمایند، از یک سو نهضت دینی مردم ایران را به عنوان نقطه اتکا و منبع حمایتی برای این نهضت ها قرار داد و از سوی دیگر، بنیان قدرتمند ایدئولوژی انقلاب، نهضت های اسلامی را نیز از میانی فکری و ایدئولوژی پویا و بالنده ای برخوردار نمود. پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(ره) و تفسیری که او از اسلام ارایه کرد، دو انقلاب در سطح دنیای اسلام ایجاد کرد؛ انقلاب در داخل اسلام و گرایش های فقهی اسلام بود به طوری که لزوم حرکت و جنبش را در این عصر مورد تأکید قرار می داد... و انقلاب دوم، آن بود که در سطح دنیا این فکر را به وجود آورد که اسلام می تواند تغییر ایجاد کند و می تواند به حاکمیت برسد و دولت تأسیس کند؛ به همین دلیل، نهضت امام خمینی(ره) به مثابه تغییر بزرگی است که در دهه هشتم قرن بیستم در دنیا و در سطح حرکت های اسلامی و شخصیت ها رفته رفته بوجود آمد.

گذار از «خاورمیانه ایستا» به «خاورمیانه پویا»

ظهور انقلاب اسلامی ایران و پایداری آن طی سه دهه اخیر اثبات نموده است که هر گاه پویایی ذاتی اسلامی با مدیریتی هدفمند و اراده مردمی توأم شود، بزرگترین قدرت های جهانی نیز توان مقابله با آن را ندارند. این همان مسئله ای است که در جنگ ۳۳ روزه و مقاومت ۲۲ روزه به اثبات رسیده است. انقلاب اسلامی ایران نه تنها ریشه در آرمان های دینی، سیاسی و فرهنگی ملت های مسلمان دارد بلکه سایر ملت های جهان را نیز تحت تأثیر گذاشته است. پیام اصلی انقلاب اسلامی ایران آزادیخواهی و ایستادگی در برابر ظلم و سلبه است. پیامی که دقیقاً منطق بر خواسته و فطرت انسانها است. به اعتقاد صاحب نظران سیاسی، انقلاب اسلامی دگرگونی بزرگی در عرصه مفاهیم سیاسی و مباحث نظری ایجاد کرد و سبب شد ظرفیت های جدیدی در نظام بین الملل با الهام از آموزه های دینی ایجاد شود. این دگرذیبی مقدس نقطه گذار «خاورمیانه ایستا» به «خاورمیانه پویا» بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، خاورمیانه به منطقه ای تبدیل شد که در آن «مقاومت» و «پایداری» از یک آرمان به یک واقعیت و اصل ملموس تبدیل گردید.

خیزش روه تکامل در جهت بیداری اسلامی

این تأثیر گذاری در وقایع سیاسی دهه هشتاد و نود در منطقه و جهان کاملاً نمود داشت به گونه ای که بسیاری از تحلیل گران آن را نشانه شکل گیری خیزش رو به تکامل در جهت بیداری اسلامی و رشد حرکت های آزادی خواهانه نزد بسیاری از ملل جهان تفسیر کردند

۲- محوریت روحانیت در عمل سیاسی

نقشی که روحانیون در ارکان مختلف حزب ... دارند، در هیچ یک از احزاب و سازمان های لبنانی سابقه ندارد. از ابتدای تأسیس حزب ... تا کنون، همواره اکثریت اعضای شورای حزب ... را روحانیون تشکیل می دادند. سخن گو، دبیر کل و معاون دبیر کل حزب ... همیشه از روحانیون انتخاب شده اند. اکثر این روحانیون شیعه لبنان که تحصیلات خود را در حوزه علمیه نجف گذرانده بودند، از روحانیان و علمای ایرانی متأثر شده، با آنان روابط صمیمی داشتند و از این طریق، دو پایه اساسی ایدئولوژی و ساختار تشکیلاتی حزب ... لبنان را به وجود آوردند. اکثراً از شاگردان آیت ... سید محمد باقر صدر و با دیدگاه های سیاسی امام خمینی (ره) آشنا شده بودند. این روحانیون جوان برای طی مدارج عالی علمی به حوزه علمیه نجف رفته بودند؛ اما در پایان دهه هفتاد، مقامات عراقی از بیم تأثیر پذیری شیعیان عراق از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، طلبه های غیر عراقی را از این کشور اخراج کردند. بنابراین، این طلبه های جوان لبنانی به کشورشان بازگشتند و آموزه های اسلام سیاسی و انقلابی را با خود به لبنان بردند.

۳- ادبیات سیاسی و روش های تبلیغاتی

ادبیات سیاسی حزب ...، نشانگر تأثیر پذیری این حزب از انقلاب اسلامی ایران است و ازها و اصطلاحاتی که در آثار و بیانیتهای حزب ... با شخصیت های این حزب در دهه هشتاد به کار برده می شد، برگرفته از واژه ها و اصطلاحاتی است که انقلاب اسلامی ایران رواج داده است. همچنین، روش ها و ابزارهای تبلیغاتی حزب ... در دهه مذکور، با ابزارهای تبلیغاتی در جامعه ایران مشابهت دارد. فرهنگ شعارهای حزب ...، عاریت گرفته شده از قاموس انقلاب اسلامی ایران است. انتخاب عنوان «حزب ...»، در عین حال که بر گرفته از آیه ۲۲ و ۵۶ سوره مائده (و من بتولی ...) و رسوله و الذین آمنوا فان حزب ... هم الغالبون)؛ (...) اولنک حزب ... الا ان حزب ... هم الغالبون) است، از فرهنگ سیاسی ایران پس از انقلاب نیز نشأت گرفته است. در گفتمان حزب ...، مسائلی از قبیل مسلمانان و ملل ضعیف جهان، تحت عنوان مستضعفان، آمریکا و شوروی(سابق) به عنوان استکبار جهانی، اسرائیل غاصب به عنوان غده سرطانی، موضوع وحدت اسلامی برای مقابله با دشمنان خدا و اسلام، آزادی قدس و اینکه راه قدس از کربلا می گذرد، از فرهنگ انقلاب اسلامی و سخنان امام خمینی(ره) به عاریت گرفته شده بود.

۴- نمادگرایی شیعه

بهرپرداری حزب ... از نماد و سمبل های مذهبی شیعه، برای انتقال پیام های انقلابی و رادیکال، جلوه دیگری از تأثیر پذیری این حزب از انقلاب اسلامی ایران - علیرغم تفاوت زبانی و فرهنگی جامعه ایران و لبنان - است. استفاده از نمادهایی چون «مسئله عاشورا»، «شهادت امام حسین علیه السلام» و جنگ های پیامبر(ص) و

◀◀◀ پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(ره) و تفسیری که او از اسلام ارایه کرد، دو انقلاب در سطح دنیای اسلام ایجاد کرد؛ انقلاب در داخل اسلام و گرایش های فقهی و انقلاب دوم، آن بود که در سطح دنیا این فکر را به وجود آورد که اسلام می تواند تغییر ایجاد کند

علی(ع) و... حزب ... را در انتقال پیام های مربوط به جهاد، شهادت، استقامت و تحمل مشکلات و مصائب، توانمندتر می سازد. نمادگرایی و استفاده حزب ... از سمبل های مذهب شیعه، باعث گردید که افراد با پیوست به این حزب، از لبنانی بودن یا عضو یک طایفه محروم بودن در کشوری که از طریق جنگ میان طوایف مختلف و متعدد پاره پاره شده بود، دست بردارند.

◀ احیای مفهوم مقاومت اسلامی

در هر صورت اندیشه امام خمینی(ره) به عنوان یگانه اندیشه تعیین کننده در حزب ... لبنان پذیرفته شد. امروزه نیز حزب ... لبنان با تبعیت از مقام معظم رهبری جایگاه خود را در معادلات منطقه ای و بین المللی تقویت نموده است. از سوی دیگر، «مقاومت اسلامی به طور کلی نگرش و اندیشه ای برخاسته از ذات اسلام است. پیروزی انقلاب اسلامی ایران تجلی این اندیشه نهفته در ذات اسلام بود. به عبارت بهتر، پیروزی انقلاب اسلامی مترادف با احیای مفهوم مقاومت اسلامی در منطقه و تبدیل شدن آن به یک اصل در مبارزات علیه جریان های کفر گردید. جنبش حماس و جهاد اسلامی نیز با استناد به این اصل مقدس بارها در برابر دشمن صهیونیستی خود ایستادگی نموده و اسرائیل و حامیانش را به ذلتی سخت واداشتند. در این راستا صراحتاً می توان ادعا نمود که پدیده حزب ...، حماس و مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی از نتایج انقلاب اسلامی است که مردم ما توانسته اند بر اساس همین ایده آن را منتقل کنند. حتی حرکت های آزادی خواهانه دیگری که در دنیا به وجود می آید، یقیناً ریشه در انقلاب اسلامی ایران دارند. در هر حال، انقلاب اسلامی ایران با تأثیرگذاری مستقیم خود بر جنبش های اسلامی منطقه توانسته است معادلات ترسیم شده از سوی جریان سلطه را به گونه ای آشکار با چالش مواجه نماید. هم اکنون ملت های منطقه با تأثیر پذیری از اصولی که با پیروزی انقلاب اسلامی بازتعریف و عملاً احیا گردید، آگاهی خود را نسبت به دنیای امروز افزایش داده و تلاش مذبوحانه و وقیحانه دشمنان اسلام در راستای تحدید قدرت اسلام را رصد می نمایند. لازم به ذکر است که دامنه و بازه تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر جنبش های اسلامی خاورمیانه بسی فراتر از پایداری در برابر نظام سلطه است و این تأثیر گذاری وارد عرصه های مدیریتی، خلاقیت، نوآوری و دور اندیشی گردیده است.

◀ برنامه ای برای مقابله با کفر

انقلاب اسلامی ایران «برنامه مقابله با کفر» را به مسلمانان و جنبش های اسلامی منطقه آموخته و این بزرگ ترین دستاورد انقلاب برای مردم خاورمیانه بوده است. شبکه های استکباری صهیونیسم و سازمان های جاسوسی آمریکا و انگلیس همواره در جهان اسلام به دنبال فتنه انگیزی بوده اند و تلاش کرده اند تا با تخریب وجهه انقلاب اسلامی مانع از تأثیرات الهام بخش آن بویژه نزد ملت های مسلمان شوند. حضرت آیت ... خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی بارها در بیاناتشان درباره توطئه های دشمنان انقلاب اسلامی و القاتل آنان در این زمینه هشدار داده اند و در این باره در یکی از بیاناتشان با اشاره به قضیه فلسطین، شکست های نظامی و سیاسی پی در پی صهیونیست ها در لبنان و فلسطین در سال های اخیر را ناشی از اقتدار روزافزون نسل به پا خواسته فلسطین می دانند و براین نکته تأکید دارند که این جهاد عظیم بخش برجسته ای از جهاد گسترده دنیای بیدار شده اسلام با مستکبران و متجاوزان است. ▶▶



انقلاب اذان و آینده روشن تونس

رضاخواه

انقلاب اسلامی ایران، الگوی قیام مردم تونس

اسام الامین نویسنده و پژوهشگر عرب

ترجمه: علی فادرنی

در آستانه سال ۱۹۷۷ میلادی، اگرچه جیمی کارتر رییس‌جمهور وقت آمریکا در سخنانی ایران را "جزیره ثبات" نامید اما واقعیت آن است که از گذشت ۱۳ ماه از این اظهارات، ایران دیگر روی ثبات را به خود ندید. مردم ایران هر روز علیه ستمگری‌های دیکتاتور متحد آمریکا اعتراض می‌کردند و تظاهرات پرجمعیت در گوشه و کنار ایران برگزار می‌شد. شاه ایران این اعتراضات را بخشی از توطئه‌های طرح‌ریزی شده توسط اسلامگرایان و کمونیست‌ها دانست و در برابر خیزش مردم، سیاست مشت آهنین را پیشه کرد اما وقتی که مشت آهنین به کار نیامد، مجبور شد که به برخی از خواسته‌های مردم تن دهد. از این رو، وی برخی ژنرال‌های ارتش و مقامات اجرایی کشور را برکنار ساخت و قول داد که با فساد مقابله کرده و آزادی را در کشور حکم‌فرما کند. محمد رضا پهلوی حتی چند روز پیش از خروج از کشور نخست‌وزیری که او نیز آلت دست آمریکا بود را منسوخ کرد، به امید آن که نخست‌وزیر جدید بتواند اعتراضات را خاموش کرده و مقدمات بازگشت وی به کشور را فراهم کند. از سوی دیگر، شاه ایران پس از فرار از ایران در اکثر نقاط جهان هم با بی‌اعتنایی کشورها مواجه شد و قدرت‌های غربی که زمانی حامی وی محسوب می‌شدند اکنون و بعد از آنکه شاهد خشم و خیزش مردم ایران بودند، او را تنها گذاشته و دست از حمایتش برداشتند.

۳۲ سال بعد، تداوم صدور انقلاب خمینی

۳۲ سال بعد از انقلاب ایران، آنچه ظرف ۵۴ هفته در این کشور رخ داد، در کمتر از چهار هفته در تونس تکرار شد. رژیم زین‌العابدین بن علی در تونس از نظر مردم این کشور نه تنها یک دیکتاتوری رنج‌آور بلکه حکومتی مافیایی محسوب می‌شد که غرق در فساد بوده و حقوق بشر را نقض می‌کرد. خودسوزی "محمد بوغزیری" جوان تحصیل‌کرده تونسی در کنار سرخوردگی‌های مردم تونس به دلیل عدم بهره‌مندی از حداقل استانداردهای زندگی، فساد دولت، عدم وجود آزادی‌های سیاسی و نقض حقوق بشر موجب شد تا صبر مردم تمام شده و تنها طی چهار هفته، اعتراضات گسترده در سراسر تونس شکل گرفت. این اعتراضات در ابتدا با واکنش نیروهای امنیتی رژیم بن‌علی و درگیری‌های خیابانی مواجه شد. اما هر چه نیروهای امنیتی روش‌های خشونت‌بارتری را به کار می‌بردند، اعتراضات مردمی نیز با شدت بیشتری ادامه می‌یافت. روز ۲۸ دسامبر، رییس‌جمهوری تونس اولین سخنرانی خود را در خصوص اعتراضات انجام داد و ادعا کرد که این اعتراضات را مشت افراطی و تروریست به راه‌انداخته‌اند. با ادامه اعتراضات مردمی، بن‌علی روز ۱۳ ژانویه بار دیگر در تلویزیون ظاهر شد و این‌بار ضمن سرزنش وزیر کشور به خاطر سرکوب معترضین اعلام کرد که در سال ۲۰۱۴ در انتخابات شرکت نخواهد کرد. وی همچنین همانند شاه ایران از اعطای آزادی‌های بیشتر به جامعه و تحقیق در مورد قتل‌ها سخن گفت. اما این اظهارات نیز نتوانست اعتراضات را پایان دهد و بن‌علی این‌بار نامیدانه قول داد که ظرف ۶ ماه انتخابات برگزار خواهد کرد. اما این ترفند نیز به کار وی نیامد، ارتش هم نپذیرفت که به روی تظاهرکنندگان آتش گشاید، لذا بن‌علی چاره‌ای نداشت جز این که از کشور فرار کند. و این سرنوشت همه دیکتاتورهاست. دیکتاتور تونس ابتدا به مالت رفت اما کسی پذیرای وی نشد، سپس تصمیم گرفت به فرانسه برود که از میانه راه به او خبر دادند که فرانسه نیز پذیرای وی نیست؛ لذا سرانجام مجبور شد که عربستان سعودی را به عنوان مقصد برگزیند.

آمریکا و غرب، حامیان همیشگی دیکتاتورها

کشورهای غربی از جمله فرانسه و آمریکا که تاکنون از رژیم بن‌علی حمایت کرده و در برابر جنایاتش سکوت کرده بودند، با سقوط این رژیم در چرخشی آشکار ادعای حمایت از مردم تونس را کردند. بطوریکه اوپاما در اظهار نظری گفت: آمریکا در کنار دیگر اعضای جامعه بین‌المللی در کنار حرکت شجاعانه مردم تونس برای احقاق حقوقشان خواهد ایستاد. نیکلا سارکوزی، رییس‌جمهوری فرانسه نیز متحد سابق خود را تنها گذاشت و از پذیرش وی به عنوان پناهنده خودداری کرد. دولت فرانسه حتی از بستگان بن‌علی که در هتل‌های گران‌قیمت پاریس سکنا دارند خواست تا این کشور را ترک کنند. ادعای حمایت آمریکا از مردم تونس در حالی است که همین سال گذشته دولت اوپاما از کنگره خواست تا ۲۸۲ میلیون دلار فروش تسلیحات را به تونس به تصویب برساند تا نیروهای امنیتی این کشور بتوانند مردم را به خوبی کنترل کنند. ژنرال بن‌علی در واقع محصول مشترک آکادمی‌های نظامی فرانسه و مدارس ارتش آمریکا بود. او حتی در دوران حاکمیت خود نیز ارتباط تنگاتنگی با سازمان‌های اطلاعاتی غربی از جمله سیا و سازمان جاسوسی فرانسه و سایر کشورهای ناتو برقرار کرده بود. در دوران ۲۳ ساله حکومت بن‌علی، صدها تن از فعالان حقوق بشر و سیاستمداران مخالف تونسی از جمله "سیهم بن سدرین" و "منصف مرکوزی" دستگیر و حتی در مواردی شکنجه شدند. علاوه بر این هزاران نفر از اعضای جنبش اسلامی تونس نیز دستگیر و شکنجه شدند. این در حالی است که کشورهای غربی کاملاً از ماهیت رژیم تونس مطلع بودند اما تصمیم گرفتند که به‌خاطر منافع خود این جنایات را نادیده بگیرند. ▶▶

که در مارس ۱۹۸۷ نیروهای امنیتی با حملات همه جانبه راشد الغنوشی و سپس تعدادی از دیگر رهبران و اعضای جنبش را بازداشت کردند. بحران میان دولت و جنبش به اوج خود رسید. اعتصاب‌ها، درگیری‌های خشونت بار دانشجویان با نیروهای امنیتی در حریم دانشگاه و خیابان‌های شهر تونس در ماه‌های آوریل و می ۱۹۸۷ صورت گرفت. دولت همواره آنچه را در شهرها جریان داشت اعمال خرابکارانه ای توصیف می‌کرد که گروه‌های تندرو افراطی از خارج دریافت کرده اند و مخصوصاً رهبران الاتجاه الاسلامی را به همکاری با دولت ایران، توطئه چینی برای صدور انقلاب ایران به تونس و سرنگونی نظام حاکم در آن کشور آفریقایی متهم می‌کرد. با کودتای ژنرال زین‌العابدین بن علی در هفتم نوامبر ۱۹۸۷ و تغییرات در دولت جدید با پاکسازی طرفداران بو رقیبه، نظامیان جدید دست به اقدامات جدید زدند که از جمله آزادی زندانیان سیاسی بود. اکثریت قاطع این زندانیان سیاسی را اسلام‌گرایان تشکیل می‌دادند. آزادی راشد الغنوشی در می ۱۹۸۸ نیز تأثیری مثبت در سطح تونس داشت. "جنبش الاتجاه اسلامی" حمایت خود را از دولت جدید اعلام کرد. در نتیجه آرامش به کشور بازگشت و تمام جلوه‌های اعتراض مردمی از بین رفت. با این حال برخی اختلافات سیاسی، سرانجام اتحاد جریان اسلامگرای الاتجاه با نظامیان تازه به حکومت رسیده تونسی را به سرانجام اتحاد نظامیان و انقلابیون مصری دچار کرد و این گروه توسط بن‌علی منزوی و ممنوع‌الفعالیت شد. مبنای این گروه که در ۶ ژوئن ۱۹۸۱ طی کنفرانس مطبوعاتی مهم‌ترین مبنای آن تشریح گردید عبارت بودند از رد اصول سکولاریسم؛ ارتباط و پیوند این جنبش با تمام مسلمانان جهان؛ به رسمیت نشناختن قومیت عربی و این که آزادی فلسطین تنها از طریق آزادی اعراب از بند استعمار و استثمار و ایجاد سازمان‌هایی خواهد بود که بیانگر منافع توده مردم باشند.

امام خمینی و انقلاب اسلامی در نگاه الغنوشی

راشد الغنوشی در رابطه با تأثیرگذاری تفکر امام خمینی بر جنبش‌های جهان اسلام به خصوص در تونس معتقد است: "امام خمینی (ره) نمایانگر تحولی در سطح بین‌المللی و منطقه بود، حق پدیده‌ای به این گستردگی را نمی‌توان با سخنانی کوتاه ادا کرد. به طور خلاصه می‌توان گفت: امام خمینی تبلور یک تحول طبیعی در امت اسلامی بود. امتی که آماده و مهیا گشته و چشم به راه رهبری است که آن را به عنوان یک امت نه از جایگاه حزبی یا فرقه‌ای که از جایگاه فراملیتی اسلامی مورد خطاب قرار دهد. حرکت اسلامی زیر فشار استکبار جهانی در معرض دشواری‌های بزرگی قرار گرفت. از این رو پیدایش امام خمینی (ره) باعث پیشبرد و سرزندگی و نشاط دنیای اسلام گردید که بیشتر به تلاطم دریایی می‌ماند که امواج آن بیش از پیش اوج بگیرد و به همین دلیل است که همه نیروهای طاغوتی در جهان به وحشت افتاده‌اند. پیام امام خمینی (ره) دارای تأثیر برجسته‌ای بود که حرکت اسلامی در تونس بتواند انتقالی کیفی در سطح مبارزه برای بازسازی اوضاع فرهنگی، سیاسی و اجتماعی را در تونس تحقق ببخشد. بدین سان بود که گستره حرکت، به سرعت وسعت یافت به گونه‌ای که توانست نیروهای تازه‌ای جذب کند. و در همین رابطه بود که ما شاهد تهاجم خصمانه برضد حرکت اسلامی و قطع روابط تونس و جمهوری اسلامی بودیم که در واقع در راستای تلاش برای خفه کردن پیام انقلابی و جلوگیری از راهیابی و امتداد آن در وجدان مردمی و توده‌ای انجام گرفت." ▶▶

تونس به عنوان یکی از شاهراه‌های ارتباط اروپا و آفریقا به عنوان مستعمر سابق فرانسه، ملک اجدادی فرانسویان تلقی می‌شد! و بی دلیل هم نبود که یک دانش‌آموخته دانشگاه سوربن فرانسه که البته آموزش‌هایی نظامی در آمریکا هم دیده بود، بیست و چهار سال پیش با کودتایی نظامی، زمام امور را در تونس به دست بگیرد. تونس پس از حضور بن‌علی به عنوان کشوری که سهمیه فرانسه در شمال آفریقا، شیوه حکومتی سایر کشورهای غربگرای منطقه همچون مصر، اردن، لیبی و عراق را در پیش گرفت. خانواده سالاری و فساد اقتصادی خانواده بن‌علی و خانواده همسر وی شاید اصلی‌ترین علت سقوط حکومت پوسیده او باشد. ماهیت انقلاب مردم تونس را همگان مردمی و خودجوش توصیف کرده‌اند. اما ظاهراً این مردم علایق و خواسته‌هایی دارند که چندان به مذاق غرب خوش نیامده است. چنان که دولت اسرائیل در اولین واکنش خود نسبت به انقلاب تونس از این موضوع و گسترش اسلام‌گرایی در سایر کشورهای منطقه ابراز نگرانی کرده بود. این در حالی است که در اولین اقدام پس از فرار بن‌علی به عربستان، انقلابیون اقدام به پخش اذان از رادیو و تلویزیون تونس کردند. اقدامی که نام "انقلاب اذان" را به خروش مردم تونس داد. اما آن چه بیش از همه احتمال بر سرکار آمدن دولتی اسلامگرا در تونس را تقویت کرده است، اعلام آمادگی روحانی بلندپایه و مبارز کهنه کار تونسی، شیخ راشد الغنوشی برای بازگشت به تونس است. به نظر می‌رسد حضور الغنوشی در تونس، بارقه‌های امید به تشکیل دولتی اسلامگرا در این کشور را تقویت کند. در حالی که بسیاری از تحلیل‌گران آینده انقلاب کنونی مردم تونس را به دلیل نداشتن رهبری واحد مبهم توصیف می‌کنند ولی به نظر می‌رسد خبر حضور الغنوشی با وجود پایگاه مردمی بالای وی در تونس می‌تواند تأثیرات مهمی بر آینده سیاسی این کشور بگذارد آنچنان که وی در مصاحبه خود با خبرگزاری فرانسه از احتمال تشکیل دولت وحدت ملی در تونس پس از سپری شدن یک پروسه طولانی سخن گفته است.

شیخ راشد الغنوشی کیست؟

شیخ راشد الغنوشی یکی از رهبران بلندپایه دینی و انقلابیون کهنه کار تونسی است که به دلیل تأثیرپذیری از دو اندیشمند مصری یعنی سیدقطب و حسن‌البنّا، در کنار عمر البشیر، به عنوان یکی از شاخه‌های حرکت اخوان المسلمین در شمال آفریقا و تونس شناخته می‌شد. وی از معدود نویسندگان و اندیشمندان عرب بود که پس از انقلاب اسلامی ایران، کتابی در توصیف شخصیت حضرت امام خمینی (ره) به نگارش درآورد. وی در سال‌های اولیه انقلاب اسلامی ارتباطات نزدیکی با انقلابیون ایرانی برقرار کرده بود. الغنوشی با ایجاد جنبشی در تونس با نام "النهضة" که بعدها با نام "الاتجاه الاسلامیه" شناخته شد و با تمرکز بر دانشگاه جامع زیتونیه به مبارزه با رئیس‌جمهور وقت تونس بورقیبه و سیاست‌های سکولاریستی او پرداخت. سرانجام وی به دلیل فعالیت‌های استبدادستیزانه و اسلام‌خواهانه خود در تونس در مقابل اقدامات شبه رضاخانی بورقیبه، توسط وی به حبس ابد محکوم شد. این در حالی بود که جنبش النهضة، به رهبری الغنوشی، نقش جدی در فروپاشی و تزلزل پایه‌های حکومتی بو رقیبه ایفا کرد. دولت بورقیبه طی اکتبر ۱۹۸۶ راشد الغنوشی را در خانه‌اش حبس کرد. این درحالی بود که تعدادی از عناصر اصلی جنبش نیز دستگیر و به محاکم قضایی تحویل شده بودند. رویارویی میان جنبش و نیروهای امنیتی روز به روز افزایش می‌یافت تا آن

جنگ اراده‌ها

خطابه رهبر معظم انقلاب به مردم مصر در خطبه‌های نماز جمعه

... و اما مصر، مساله مصر یک نمونه بی‌نظیر است، زیرا مصر در دنیای عرب یک کشور بی‌نظیر است. مصر اولین کشور دنیای اسلام است که با فرهنگ اروپایی آشنا شد، و اولین کشور دنیای اسلام است که خطر تهاجم این فرهنگ را شناخت و در برابر آن موضع گرفت. اولین کشور عربی است که پس از جنگ جهانی دوم یک دولت مستقل تشکیل داد و از منافع ملی خود در ملی کردن کانال سوئز دفاع کرد، اولین کشوری است که با همه توان به کمک فلسطین رفت و در دنیای اسلام ملجأ فلسطینیان شناخته شد. سیدجمال‌الدین، مصری نبود ولی جز در مصر هم نمی‌توانست امیدی به فهم دغدغه بزرگ خود از سوی یک ملت مسلمان داشته باشد. ملت مصر، در صحنه مبارزات دینی و سیاسی، لیاقت خود را به اثبات رسانید و در تاریخ

ثبت کرد. محمد عبده و شاگردانش و سعد زغلول و هوادارانش مردمی مرتجع و دنیاتناس نبودند. آنها نوابغ بزرگ و شجاع و بیداری بودند که هر ملتی با پرورش یک نفرمانند آنان می‌تواند به لیاقت خود فخر بفروشد. مصر با این عمق فرهنگی و دینی و سیاسی، به حق، در جایگاه رهبری دنیای عرب قرار گرفت. بزرگترین جرم نظام کنونی مصر این است که این کشور را از آن جایگاه رفیع به رتبه یک مهره بی‌اختیار در بازی‌های سیاسی‌اش در منطقه، تنزل داد. انفجار امروز ملت بزرگ مصر، پاسخی به این خیانت بزرگ است که دیکتاتور وابسته، نسبت به ملت خود مرتکب شد. امروز در همه دنیا بازار تحلیل‌های گوناگون درباره قیام ملت مصر، داغ است و هرکس چیزی می‌گوید، ولی هرکس مصر را بشناسد به روشنی خواهد دانست

که مصر در حال دفاع از کرامت و عزت خویش است. ملت مصر گریبان خیانت‌کارانی را گرفته است که کرامت او را بر باد داده و ملتی را که در اوج عزت بود، پایمال غرور و تکبر دشمنانش کرده‌اند. یک نمونه بارز، جایگاه مصر در قضیه فلسطین است. فلسطین از ده‌ها سال پیش، محوری‌ترین مساله این منطقه است و در هم تنیدگی مسائل این منطقه چنان است که هیچ کشوری و هیچ ملتی در آن، نمی‌تواند سرنوشت خود را جدا از مساله فلسطین تصور کند. دو جبهه بیشتر هم وجود ندارد: یا حمایت از فلسطین و از مبارزات عادلانه آن، و یا قرار گرفتن در جبهه مقابل. ملت‌های منطقه از ابتدا موضع خود را روشن کرده‌اند، لذا وقتی دولتی به حمایت از فلسطین می‌پردازد از حمایت ملت خود و ملت‌های عرب و مسلمان برخوردار می‌شود. این را مصر در سال‌هایی از دهه ۶۰ و ۷۰ آرموده است اما وقتی خود را در جبهه دیگری تعریف کند، ملت از او روی برمی‌گرداند. در مصر از پیمان ننگین کمپ دیوید این شکاف میان دولت و ملت مصر پدیدار شد. ملت مصر که در ۶۷ و ۷۳ با جان و مال خود به کمک فلسطین رفته بود، به تدریج دید که حاکمان چنان در سرسپردگی و اطاعت از آمریکا افراط کرده‌اند که مصر به هم‌پیمان وفادار دشمن

صهیونیستی و غاصب تبدیل شده است. سطره آمریکا برحاکمان مصر همه زحمات گذشته آنان در حمایت از فلسطین را بر باد داد و مصر به بزرگترین دشمن فلسطین و بزرگترین حامی صهیونیست‌ها تبدیل شد. و این در حالی بود که سوریه شریک مصر در جنگ ۶۷ و ۷۳ با وجود فشارهای شدید آمریکا توانست مواضع مستقل خود را حفظ کند. کار نظام سرسپرده مصر به جایی رسید که مردم مصر برای نخستین بار در تاریخ دیدند که در جنگ اسرائیل علیه برادرانشان در غزه کمک نمی‌کند بلکه در جبهه اسرائیل قرار گرفته است و نه تنها است. تاریخ هرگز فراموش نخواهد کرد که حسنی مبارک همان کسی است که در محاصره وحشتناک مردم غزه در ۲۲ روز کشتار زن و مرد و کودک غزه، همکار و امین و شریک اسرائیل و آمریکا بود. مردم مصر در آن روزها چه کشیدند؟ تلویزیون صحنه‌هایی از احساسات شدید مردم مصر را نشان داد که با گریه از وضعیت خود و از این که اجازه نمی‌یابند به برادران فلسطینی خود یاری برسانند، سخن می‌گفتند. ملت مسلمان مصر دیگر چقدر می‌توانست تحمل کند؟ آن چه امروز در قاهره و دیگر شهرهای مصر مشاهده می‌شود، انفجار خشم مقدس و فوران عقده‌هایی است که در طول سالیان متمادی

خیلی دور خیلی نزدیک

بررسی تأثیر انقلاب اسلامی بر جریان‌های اسلام‌گرا در مصر

علیرضا رضاحوا

اگر قریب از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، اغلب جنبش‌های اسلامی در مواجهه با مظاهر زندگی عصر جدید و تمدن خیره‌کننده غرب، موضع انفعالی داشته و در مورد کارآمدی تعالیم دینی در مدیریت معقول و شایسته جوامع اسلامی در شک و تردید به سر می‌بردند، تحول همه‌جانبه انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام(ره) این باور را در اذهان نیروهای مسلمان جای داد که اسلام به عنوان یک مکتب آسمانی می‌تواند مهم‌ترین تحولات جهانی را رقم زده و برای پرسش‌های عصر جدید و مدیریت جوامع، نسخه شفابخشی را ارائه کند. همین یک نکته، مهم‌ترین تأثیر افکار سیاسی - دینی حضرت امام (ره) بود که از یک سو جنبش‌های موجود را در بعد نظری بر مبنای دینی استوار می‌ساخت و از سوی دیگر، باورهای دینی را به عنوان عامل بالنده و تحرک آفرین در سرنوشت جوامع انسانی مطرح می‌کرد. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌گویند: "آثار و برکات انقلاب اسلامی بر حرکت‌های رهایی بخش و نهضت‌های جهانی اسلام را می‌توان از موج اسلام‌خواهی و گسترش مبارزات انقلابی علیه نظام ظالمانه حاکم بر جهان از خاورمیانه تا شمال آفریقا و از آسیای مرکزی تا قلب اروپا، مشاهده کرد... احیای هویت اسلامی در میان مسلمانان، بیداری ملت‌ها و ایجاد نشاط و امید در نیروهای مبارز و انقلابی جهان، از ثمرات مسلم و انکارناپذیر انقلاب اسلامی ایران است." از همین رو است که بسیاری از کارشناسان در تحلیل تحولات اخیر در کشورهای خاورمیانه از جمله تونس و مصر آنها را بذرهایی از انقلاب اسلامی ایران می‌دانند که ۳۰ سال پس از این تحول تاریخی جوانه زده‌اند. بار بارا والتر خبرنگار کهنه کار آمریکایی در رابطه با اعتراضات روز افزون مصر معتقد است: "ترس از الگوگیری مصری‌ها از انقلاب اسلامی ایران و ایجاد یک حکومت اسلامی دیگر این بار در همسایگی اسرائیل کابوسی برای غرب شده است." "ریچارد هاس" رئیس

سوی خود جلب کرده بود. تصویرهای امام خمینی در قاهره و برخی شهرهای دیگر در سطحی وسیع منتشر شد و تظاهرات گسترده‌ای در مخالفت با ورود شاه به مصر به راه افتاد. ملت و جامعه مصر به طور کلی به نحو خوبی با انقلاب اسلامی ایران برخورد کرده و از آن استقبال کردند. تأثیر مهم انقلاب ایران بر مصر، تقویت و تشدید جریان «بازگشت به اسلام» است که در تاریخ مصر ریشه دیرینه‌ای دارد. این گرایش اگر چه در پی تحولات سیاسی زمان جنگ اسرائیل و مصر و شکست مصر تا حدود زیادی تضعیف شد، لیکن با پیروزی انقلاب اسلامی ایران جان تازه‌ای گرفت. به رغم اختلاف نظر میان جریان‌های مختلف اسلامی مصر بر سر انقلاب اسلامی ایران و تحولات آینده آن، پیروزی این انقلاب در نگاه غالب این جریان‌ها، در حقیقت پیروزی ایدئولوژی اسلام سیاسی و تجسم آن در شکل یک دولت بود. برخی گروه‌های اسلامی مصر، از ابعاد و شعارهای فرامرزی و فراوطنی انقلاب ایران که همه مسلمانان بتوانند در سایه آن تاریخ و الگوی برتر و تحولات امت اسلامی را با این واقعیت جدید پیوند دهند، استقبال کردند. انقلاب ایران به آنان ثابت کرد که قدرت رویارویی با نیروهای امپریالیستی و پیروزی بر آنان را دارند. جنبش‌های اسلامی مصر از این که انقلاب ایران خواهان عقب‌نشینی اسرائیل از تمامی خاک فلسطین اشغالی، یعنی اراضی سال ۱۹۴۸ م و ۱۹۶۷ م شده بود، استقبال کردند و این موضع را با موضع غالب کشورهای عرب آن زمان که به عقب‌نشینی

اسرائیل از اراضی اشغالی سال ۱۹۶۷ م و اعطای حق تعیین سرنوشت به ملت فلسطین اکتفا می‌ورزیدند، مقایسه می‌کردند. حسنین هیکل که از روزنامه نگاران معروف مصری است در رابطه با تأثیرات انقلاب اسلامی بر توده‌های مردم در کشورهای اسلامی و همچنین دیدگاه‌های حضرت امام خمینی(ره) می‌گوید: "در سال ۱۹۷۸ در حالی که انقلاب اسلامی ایران در اوج خود بود، حکومت مصر از رژیم شاه حمایت می‌کرد و حتی فتوای دینی مبنی بر لزوم اطاعت از حاکم کشور از سوی برخی از علمای مصر صادر شده بود به طوری که هنگام مصاحبه با امام خمینی(ره) در پاریس اقبل از پیروزی انقلاب [و مصاحبه بعدی با ایشان در قم ابعد از پیروزی انقلاب] ایشان با تلخی از من پرسید که چرا بعضی از علمای دین در مصر علیه انقلاب اسلامی فتوا می‌دهند در حالی که پیش از این اعراب از شرکت شاه در طرح‌های غربی در منطقه شکایت داشتند و حالا انقلاب اسلامی نه تنها ایران را از این طرح‌ها خارج ساخته، بلکه در مقابل آن‌ها به مبارزه پرداخته است. اضافه بر این اعراب از روابط ایران با اسرائیل شاکی بودند و حالا این روابط قطع شده و مقر نمایندگی اسرائیل به سازمان آزادی بخش فلسطین واگذار شده است. با این وجود تأثیرات انقلاب اسلامی بر توده‌های مردم و جنبش‌های اسلامی انکارناپذیر است." با وجود این که عده‌ای سعی کردند تا با پر رنگ جلوه دادن جنبه‌های ایرانی و شیعی بودن انقلاب اسلامی در مقابل جنبه اسلامی و احیای فکر دینی در دنیای معاصر، از تأثیرات این انقلاب در مصر بکاهند، ولی انقلاب اسلامی ایران توانست به خوبی جای خود را در میان توده مردم و نیز گروه‌های مبارز و اسلام‌گرای جامعه مصر باز کند.

❖ **اخوان المسلمین: انقلاب ایران مرکز ثقل ارزش‌های مشترک همه مسلمانان است**
اولین واکنش نسبت به انقلاب اسلامی ایران توسط جماعت اخوان المسلمین صورت گرفت. این جماعت در اعلامیه‌ای که در سال ۱۳۵۷ آن را منتشر کرد، ضمن ستایش انقلاب اسلامی ایران آن را الگویی برای مبارزات اسلامی خود علیه دولت وابسته و ضد اسلامی مصر معرفی کرد. وقوع انقلاب اسلامی موجب شد این جنبش از رکودی نزدیک به یک دهه خارج شود. جنبش اخوان المسلمین به ویژه در سال‌های نخست پیروزی انقلاب اسلامی این انقلاب را در چارچوب مبارزه جهانی میان اسلام و کفر قلمداد کرده و با صدور بیانیتهای متعدد حمایت خود را از انقلاب اسلامی اعلام کرد. این جنبش، در سال ۱۳۵۷ آشکارا انقلاب اسلامی ایران را مورد



اعضای جهاد اسلامی و مجریان اعدام انقلابی انورسادات در دادگاه

نیست آن که از ارتش مصر باید بترسد صهیونیست‌ها نیست نه مردم مصر. البته عناصر ارتشی که خود از مردم و فرزندان آنها هستند سرانجام به مردم خواهند پیوست و این تجربه شیرین یک بار دیگر در مصر تکرار خواهد شد. ۸. و بالاخره آمریکا که سی سال از حکام مزدور، بر ضد ملت مصر حمایت کرده، اکنون در موضعی نیست که بتواند در قضیه مصر به عنوان میانجی وارد شود. به هرگونه توصیه و اقدام آمریکایی در این زمینه‌ها به چشم بدبینی بنگرید و به آن اعتماد نکنید. برادران و خواهران عزیز! اینها تجربیات ما است، من به عنوان برادر مسلمان شما و از سر تعهد دینی، آن را با شما درمیان گذاشتم. بوق‌های تبلیغاتی دشمن مانند همیشه فریاد خواهند کرد که ایران می‌خواهد دخالت کند، می‌خواهد مصر را شیعه کند، می‌خواهد ولایت فقیه را به مصر صادر کند و می‌خواهد... این دروغ‌ها را سی سال است می‌گویند تا ملت‌های ما را از یکدیگر جدا و از کمک یکدیگر محروم کنند و مزدوران آنها هم آن را تکرار می‌کنند. «يُوحِي بَعْضُهُمْ اِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبِّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ». با این ترندها، هرگز وظایفی را که اسلام بر دوش ما گذاشته است رها نخواهیم کرد. و الله من وراء القصد. واستغفرالله لی و لکم. ▶▶

و نامطمئن به عنوان جانشین رئیس جمهور خائن، از جمله انگیزه‌سازی برای تفرقه است. اتحاد خود را بر محور دین و نجات کشور از شر مزدوران دشمن، حفظ کنید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا». ۵. به مانورهای سیاسی و مزورانه آمریکا و غرب، اعتماد نکنید. آنها که تا چند روز پیش از رژیم فاسد پشتیبانی می‌کردند، اکنون که از نگهداشتن آن ناامید شده‌اند دم از حق ملت‌ها می‌زنند. آنها با این پوشش، تلاش می‌کنند مهره‌ها را جایجا کنند و با چهره‌سازی، وابستگی خود را بار دیگر بر شما مسلط کنند. این توهین به شعور ملت‌ها است، آن را تحمل نکنید و جز به استقرار یک نظام کاملا مستقل و مردمی و مؤمن به اسلام رضایت ندهید. ۶. علمای دین و الازهر شریف که سوابق درخشان آن زبانزد است، نقش خود را کاملا برجسته کنند. مردمی که قیام خود را از مسجد و نماز جمعه آغاز می‌کنند و شعار الله اکبر می‌دهند، از علمای دین توقع بیشتری دارند و این توقع بجا است. ۷. ارتش مصر که افتخار شرکت در حداقل دو جنگ با دشمن صهیونیست را دارد در این مرحله در معرض آزمونی بزرگ و تاریخی است. دشمن می‌خواهد آن برای سرکوب مردم استفاده کند. اگر خدای نخواست این اتفاق بیفتد ضایعه‌ای که پیش خواهد آمد برای ارتش قابل جبران

شمارا تضعیف کند. مراقب باشید اراده شما سست نشود. ۲. دشمن شما سعی می‌کند شما را از دست یافتن به هدف‌های خود نومید کند. در حالی که وعده الهی می‌گوید: «وَيُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ». به وعده مؤکد و بی‌تردید خداوند اعتماد کنید که می‌گوید: «وَلْيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ». ۳. دشمن شما با تجهیز مزدوران امنیتی خود آن‌ها را به مقابله با شما گسیل می‌کند تا با ناامنی و هرج و مرج مردم را به ستوه بیاورند. از آن‌ها نهراسید. شما از مزدوران قوی‌ترید. شما اکنون در مرحله‌ای قرار دارید که خداوند در آن مرحله به پیامبر و یارانش فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ». شما می‌توانید با اتکال به خدا و اعتماد به جوانان پرانگیزه خود بر هر ناامنی و هرج و مرجی فائق آید. ۴. سلاح مهم ملت‌ها در مواجهه با بر قدرت‌ها و حکام مزدور، اتحاد و یکپارچگی آن‌ها است. دشمن شما تلاش می‌کند با انواع ترندها یکپارچگی شما را از بین ببرد. مطرح کردن نقاط افتراق، مطرح کردن شعارهای انحرافی، مطرح شدن چهره‌های بدسابقه

رژیم نامسلمان و خائن و دست‌نشانده با رفتار خود در دل مردان و زنان آزاده مصری مترکام ساخته است. قیام ملت مسلمان مصر، یک حرکت اسلامی و آزادیخواهانه است. من به نام ملت و دولت انقلابی ایران به شما ملت مصر و ملت تونس درود می‌فرستم و پیروزی کامل شما را از خداوند عزیز مسألت می‌کنم. من به شما و قیامتان افتخار می‌کنم. شک نیست که قیام ملت‌ها، بسته به اقتضات جغرافیایی و تاریخی و سیاسی و فرهنگی، در هر کشوری دارای مختصات منحصر به فرد است و نمی‌توان چیزی را که در انقلاب کبیر اسلامی در ۳۰ سال پیش در ایران واقع شد، عیناً در مصر یا تونس یا هر کشور دیگر اسلامی انتظار داشت، لیکن مشترکاتی هم وجود دارد که در آنها، تجربیات هر ملتی می‌تواند برای ملت‌های دیگر به کار آید. تجربه‌هایی که امروز می‌تواند به کار بیاید اینها است: ۱. در هر قیام مردمی، جنگ واقعی بین اراده‌ها است. هر طرفی که مصمم‌تر باشد و سختی‌ها را تحمل کند پیروز قطعی است. قرآن به ما می‌آموزد که: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» (۳) و به پیامبرش می‌فرماید: «فَلِذَلِكَ فَادْعُوا سَتَقْمُ كَمَا مَرَّتْ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ» (۴) دشمن می‌کوشد با زور و فریب، اراده

نهضت بازگشت به خویشتن اسلامی در مصر و احیای فکر دینی را نمی‌توان انکار نمود. نهضتی که علی‌رغم وجود حکومت پلیسی در مصر و فشارهای مختلف از درون و بیرون مصر تاکنون در قالب جنبش‌های عظیم دانشجویی، اتحادیه‌های کارگری و تشکل‌های دینی و مذهبی به کار خود ادامه داده است. هرچند ارتباط میان اخوان المسلمین و جمهوری اسلامی در سال‌های بعدی دستخوش فراز و فرودهای جدی شد با این حال تأثیرگذاری انقلاب ایران بر روند فعالیت‌های این جنبش غیر قابل‌کتمان می‌باشد.

◀ جهاد اسلامی، از سیدقطب و حسن البنا تا امام و شریعتی

جنبش جهاد اسلامی یا "الجهاد" یکی از جنبش‌های پرطرفدار در مصر می‌باشد که در سال ۱۹۸۱ توسط یکی از اعضای خود به نام خالد اسلامبولی دست به ترور انقلابی رئیس‌جمهور وقت مصر یعنی انور سادات زد. برخی بر این عقیده‌اند که انقلاب اسلامی بیشترین تأثیر را در میان گروه‌های مصر بر جنبش جهاد داشته است. نیروهای این جنبش نحوه پیروزی انقلاب ایران را به خوبی ترسیم کرده و آثار مبارزان ایرانی را مطالعه کردند به طوری که در زمان دستگیری آنان، یادداشت‌هایی از کتاب «حکومت اسلامی» امام خمینی (ره) و خلاصه دست‌نویسی درباره انقلاب ایران و کتاب‌های دکتر شریعتی توسط نیروهای امنیتی مصر از آنان ضبط شد. دولت مصر نیز این وسایل را دستاویز قرار داده و دولت ایران را متهم به دخالت در امور داخلی خود و ایجاد تشنج در این کشور کرد. از نظر این تشکیلات، ریشه‌های انقلاب ایران به اندیشه حسن البنا و سیدقطب باز می‌گردد. برخی رهبران تشکیلات جهاد، انقلاب امام خمینی (ره) را الگویی برشمردند که سازمان‌ها و گروه‌های اسلامی، در دیگر کشورها، باید از آن پیروی کنند. رهبران این تشکیلات، نشريات، کاست‌ها و بیانیه‌هایی صادر کردند و در آن از مسلمانان سنی خواستند تا از اندیشه‌های امام خمینی پیروی کنند؛ حتی برخی عناصر تشکیلات جهاد ابراز امیدواری کردند که ایران، در جنگ سال ۱۳۵۹ عراق را شکست دهد و پس از آن زمینه برای استیلای ایران بر اردن و سپس آزادسازی فلسطین فراهم شود. این عناصر، اختلافات میان انقلاب ایران و جنبش‌های اسلام‌گرا در مصر را دارای ماهیتی ثانوی و فرعی دانستند؛ به ویژه آن که موضع هر دو در برابر دشمنان اسلام، مشابه است. آنان انقلاب ایران را نخستین انقلاب شیعی مبتنی بر مبانی اسلامی صحیح توصیف کردند. ▶▶

مبادرت به تماس با مسئولان جمهوری اسلامی کرد تا هیأتی مرکب از نمایندگان جناح‌های مختلف اخوان المسلمین از ایران دیدن کرده و پیروزی انقلاب را به مسئولان و مقامات بلندپایه ایران تبریک بگویند و در مورد راه‌های همکاری، گفت‌وگو و تبادل نظر کنند. اخوان المسلمین در سال ۱۳۵۷ کتابی تحت عنوان "خمینی‌الترناتیبو اسلامی" را منتشر ساخت که توسط فتحی عبدالعزیز نوشته شده بود. در این کتاب شیوه امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی به عنوان راه حل برای مقابله با نظام‌های وابسته ذکر شده است. فتحی عبدالعزیز در این کتاب اظهار می‌دارد که: «انقلاب (امام) خمینی، انقلاب یک فرقه اسلامی علیه فرقه‌ای دیگر نیست، بلکه مرکز ثقل ارزش‌ها و اعتقادات مشترکی است که همه مسلمانان را به وحدت می‌خواند، همان چیزی که انقلاب ایران برای آن به وقوع پیوست.» به طور کلی تأثیر انقلاب اسلامی ایران در شکل‌گیری

اخوان المسلمین در مقابل کسانی که آنان را به تقلید از امام خمینی (ره) متهم می‌کردند، این اتهام را رد و اعلام کرد که هم‌چنان به برنامه‌های امام حسن البنا وفادار است. این جماعت در توجیه حمایت خود از انقلاب ایران اعلام کرد که دلیل حمایت از انقلاب ایران این بوده است که رهبران جدید ایران اعلام کرده‌اند، انقلابشان اسلامی است و هدف آنها پیاده کردن شریعت است. جماعت اخوان المسلمین در جداسازی موضع‌گیری خود از موضع سازمان‌های اسلام‌گرای زیرزمینی و رادیکال در مقابل انقلاب ایران، شفاف عمل کرده و در مقابل، در برابر دعوت حکومت انقلابی ایران از دیگر جنبش‌های اسلامی در دیگر نقاط جهان، برای جهاد فراگیر با حکومت کشورهای خود، با احتیاط رفتار کرد. انقلاب اسلامی به حدی توانست بر جنبش اخوان المسلمین تأثیر بگذارد که به محض پیروزی انقلاب اسلامی دبیرخانه تشکیلات بین‌المللی اخوان المسلمین

تأیید قرار داد و از پناه دادن شاه، توسط رژیم مصر انتقاد کرد. «عمر تلمسانی» رهبر فقید اخوان المسلمین نیز از مخالفت گروه‌های اسلامی در دانشگاه‌های مصر با استقبال از شاه پشتیبانی کرد. اخوان المسلمین از تمام مسلمانان جهان خواست تا از مسلمانان ایران سرمشق بگیرند؛ اما در عین حال توضیح داد که این به معنای فراخواندن ملت‌های مسلمان به انقلاب نیست، بلکه به معنای دعوت حاکمان و ملت‌ها به وحدت در زیر پرچم اسلامی است. در تحلیل موضع اخوان المسلمین نسبت به انقلاب اسلامی ایران، باید به این نکته توجه داشته باشیم که این گروه، همواره موضعی معتدل در برابر مذهب شیعه داشته و برافروختن آتش اختلافات مذهبی میان شیعه و سنی را به شدت رد و محکوم کرده است. این جماعت اگر چه به وجود اختلافات آشکار میان دو مذهب اذعان دارد، همواره اعلام کرده است که این اختلاف‌ها ماهیتی ثانوی دارند. جماعت



روایت سلیم غفوری - مستندساز - از دوبار سفر به کشمیر

می‌گویند «نشان جمهوری اسلامی، هویت سیاسی ماست»

مقدم حسینی - محسن هوشمند

«سید سلیم غفوری» یکی از مستندسازان جوان کشورمان است که در ۲ سال گذشته تاکنون دوبار به منطقه کشمیر سفر کرده است. گفتنی‌هایش نشان داد که علاوه بر تسلطش به تاریخ سیاسی این منطقه، به تاریخ فرهنگی به ویژه از زمان ورود ایرانیان و استفاده مردم آن جا از زبان فارسی و برخی صنایع دستی ایران که هنوز هم کم و بیش استفاده می‌شود، تسلط دارد. دیدنی‌های سلیم غفوری تلخ و شیرین دارد و هیچ کدام را پنهان نمی‌کند. وقتی از وجود مجموعه مدارسی به نام «شهید مطهری» و «با امامیه» به یاد رهبر کبیر انقلاب اسلامی می‌گوید احساس شکر در صدایش آشکار است. درد خود را هم پنهان نمی‌کند وقتی از رنج و ظلم مردم این منطقه توسط دولت هندوستان و فراموشی حوزه‌های علمیه، وزارت امور خارجه، رایزنان فرهنگی و رسانه‌های کشورمان از مردم و مسلمانان کشمیر سخن می‌گوید. در این گفت‌وگو ابتدا ویژگی‌های جغرافیایی کشمیر توضیح داده شده است و در ادامه این تلخ و شیرین‌ها آمده است.

◀ در ابتدا کمی در باره وضعیت جغرافیایی و تاریخی کشمیر توضیح دهید و بگویید که تاثیرگذاری فرهنگ ایرانی و اسلامی در این منطقه به چه صورت بوده است؟

کشمیر یکی از زیباترین و سرسبزترین مناطق آسیا به شمار می‌رود و به بهشت روی‌زمین نیز معروف است. این منطقه که در سلسله‌جبال هیمالیا واقع شده بین سه کشور چین، هند و پاکستان تقسیم شده است. به این صورت که حدود یک سوم کشمیر به عنوان کشمیر آزاد جزو پاکستان و دو سوم آن نیز به عنوان «جامو و کشمیر» جزو هندوستان است. حدود پنج درصد این منطقه هم متعلق به کشور چین است. ارتباطی که بین فرهنگ ایران و فرهنگ ایرانی-کشمیری وجود دارد ذهن ما را مشغول کرده بود. تا این که موفق شدیم در ۲ نوبت به این منطقه سفر کنیم. یک سفر به کشمیر هند و یک نوبت هم به کشمیر آزاد پاکستان. برای درک رابطه فرهنگی ایران و کشمیر باید ابتدا به تاریخچه این منطقه توجه کرد. تا قبل از قرن هفتم و حتی اوایل قرن هشتم هجری بیشتر مردم کشمیر هندو مذهب بودند. در مقطعی از قرن هشتم پادشاهی به نام فریدون شاه بر کشمیر حکومت می‌کرد. در زمان حکومت این پادشاه یک عارف ایرانی به نام بلبل شاه برای تبلیغ اسلام به این منطقه سفر کرده بود که در همین زمان پادشاه کشمیر از تمام مبلغان ادیان مختلف دعوت کرد که در جلسه‌ای با حضور او با هم مناظره کنند و هر کس نظرات خود را بگوید. بلبل شاه نیز در این جلسه حضور می‌یابد و نظرات خود درباره اسلام را مطرح می‌کند. این نظرات تا حد زیادی نظر حاکم کشمیر را جلب می‌کند و از این رو زمینه ترویج دین اسلام در کشمیر فراهم می‌شود. چندی بعد از بلبل شاه نیز شخص دیگری به نام «میرسید علی همدانی» به همراه ۷۰۰ تن از شاگردانش برای ترویج دین اسلام وارد کشمیر می‌شوند. آن‌ها در سراسر این سرزمین پخش می‌شوند و در مناطق مختلف به تبلیغ اسلام می‌پردازند. از این مقطع بیشتر مردم کشمیر به دین اسلام گرایش پیدا می‌کنند، در واقع توسعه اصلی دین اسلام در این منطقه مرهون تلاش‌های میر سید علی همدانی و شاگردانش است. نکته مهمی که درباره سید علی باید بگویم این است که حضور او و شاگردانش در کشمیر علاوه بر دین اسلام، فرهنگ، صنعت و تمدن ایرانی اسلامی را نیز در این منطقه گسترش داد. آن‌ها خیلی از صنایع ایرانی همچون فرش بافی، چوب‌وس... را نیز به مردم این منطقه آموزش دادند به طوری که در حال حاضر بعضی از هنرهای دستی که در ایران به نوعی از بین رفته همچنان در کشمیر فعال است. نکته قابل توجه دیگر در این زمینه بحث زبان فارسی است. معمولاً زمانی که مبلغان به نقطه‌ای از دنیا می‌روند، سعی می‌کنند که زبان بومی مردم منطقه را فرا بگیرند. ولی در کشمیر خلاف

هندوستان و پاکستان شناخته نمی‌شد و کشمیر بخش جدایی بود. اما زمانی که تقسیم شبه قاره به ۲ کشور هند و پاکستان و استقلال این مناطق مطرح شد تصمیم گرفتند ایالت‌هایی که بیشتر جمعیت آن هندو مذهب بودند کشور هند و قسمت‌هایی که دارای جمعیت قالب مسلمان بود کشور پاکستان را تشکیل دهد. بر این اساس ایالت جامو و کشمیر که جمعیت آن بیشتر مسلمان بودند جزو پاکستان محسوب می‌شد. ولی در همین زمان شخصی به نام «هری سینگ» در کشور حکومت می‌کرد و بر خلاف توافق‌های صورت گرفته در زمینه تقسیم، از ارتش هند دعوت کرد که وارد کشمیر شوند و به این ترتیب آن‌ها کشمیر را اشغال کردند. این موضوع اعتراض مردم کشمیر را در پی داشت و این اعتراض‌ها با عث شد که یک سوم کشمیر به پاکستان ملحق و به عنوان کشمیر آزاد نامیده شود و دو سوم این منطقه را نیز ارتش هند اشغال کرد و جزو خاک هند قرار گرفت. از سال ۱۹۴۷ میلادی که هند و پاکستان مستقل شد درگیری بر سر منطقه کشمیر نیز بین ۲ کشور آغاز شد و اولین جنگ بین آن‌ها در سال ۱۹۴۸ میلادی شکل گرفت. در واقع این اختلاف افکنی یک توطئه انگلیسی بود که با هدف حفظ نفوذ انگلیسی‌ها و سرگرم کردن ملت‌ها به درگیری انجام شد. در این زمان مردم ایالت کشمیر خواهان پیوستن به پاکستان بودند و علیه هندی‌ها اقدام کردند. این موضوع باعث شد که هندی‌ها به سازمان ملل مراجعه کنند و سازمان ملل برای حل این مسئله قطعنامه‌ای صادر کرد و خواستار این شد که سرنوشت کشمیر از طریق همه‌پرسی مشخص شود. بعد از این قطعنامه چندین قطعنامه دیگر هم صادر شد. ولی این همه‌پرسی علی‌رغم اعلام حمایت نخست‌وزیر وقت هند از تعیین تکلیف منطقه کشمیر توسط مردم منطقه، هیچ وقت اجرا نشد و متأسفانه وضعیت هم چنان در کشمیر به همین شکل باقی ماند. این وضعیت موجب شد که مردم کشمیر از هر فرصتی برای اعلام اعتراض و مخالفت خود استفاده کنند. بعد از جنگ سال ۴۸ در سال ۱۹۶۵ نیز جنگ مجددی بین دو کشور هند و پاکستان شکل گرفت و بعد از این جنگ خط تماس دو بخش کشمیر تثبیت شد. اولین نتیجه تقسیم کشمیر جدایی بین خیلی از خانواده‌های ساکن در این منطقه بود. در این شرایط دولت هند نیز مانع هر گونه ارتباط بین کشمیر

◀ رئیس مدارس امامیه گفت با وجود این که منطقه ما تحت حاکمیت دولت هند است، اما خودمان تابع نظریات ولایت فقیه هستیم



آزاد و بخش کشمیر هند شد و این مساله تا سال ۱۹۸۹ ادامه پیدا کرد. در این مقطع مردم کشمیر سعی کردند با شرکت در انتخابات و راه حل‌های سیاسی استقلال این منطقه را به دست آورند. ولی در این زمان هندی‌ها متوجه این موضوع شدند و محدودیت‌هایی در انتخابات اعمال کردند که این موضوع اعتراض گسترده مردم و شکل‌گیری نیروهای جهادی، سیاسی، نظامی و اجرای عملیات نظامی در کشمیر را در پی داشت. از سوی دیگر دولت هند هم با خشونت تمام علیه مردم و مبارزان کشمیری وارد عمل شد و ۷۰۰ هزار سرباز را در منطقه کشمیر گسیل و فشارهای زیادی را بر مردم وارد کرد. در این مقطع (که حدوداً تمام دهه ۹۰ میلادی را شامل می‌شود) بیش از ۱۰۰ هزار نفر در کشمیر شهید و ۱۰۰ هزار نفر هم زندانی شدند. جالب این که در این مقطع هم با وجود خشونت‌های شدید و سرکوب‌های گسترده نظامی، اعتراض‌های مردم (که ریشه در نپذیرفتن حاکمیت هند داشت) ادامه پیدا کرد. اما بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر شرایط جدیدی در این منطقه رقم خورد و هندی‌ها که پس از فروپاشی شوروی سعی در نزدیک شدن به آمریکا داشتند از شرایط به وجود آمده در دنیا استفاده و حرکت مجاهدان کشمیری را با عنوان حرکت تروپیستی به دنیا معرفی کردند و در پی این موضوع فشارهای مضاعفی به کشمیری‌ها وارد شد و آمریکا نیز فشار مضاعفی به پاکستان وارد کرد که از مجاهدان حمایت نکند. این فشارها باعث شد که در دوره مشرف پاکستانی‌ها هم مجبور شوند حمایت از گروه‌های مسلح کشمیر را قطع کنند و این گروه‌ها با فشار دولت پاکستان هم مواجه شدند. ادامه این شرایط موجب شد که گروه‌های جهادی با مشکل مواجه شدند و خود مردم کشمیر هم از مردم مسلح خسته شدند. همچنین از سال ۲۰۰۲ نیز بعضی تند روی‌های گروه‌های مسلح وهابی نیز بهانه لازم را به دست هندی‌ها داده بود ولی اصل بحث کشمیر در میان مردم منطقه وجود داشته و دارد.

◀ طی مدت حضورتان در کشمیر وضعیت عمومی مردم از نظر بهداشت، اقتصاد و... را چگونه دیدید؟ شرایط سیاسی موجود در کشمیر طی سال‌ها باعث شده که هیچ گونه سرمایه‌گذاری اقتصادی در این منطقه انجام نشود و تنها منبع درآمد مردم کشاورزی باقی بماند. صنعت خاصی در کشمیر وجود ندارد، سرمایه‌گذاری درستی انجام نشده است و به لحاظ کشاورزی هم خیلی از زیربناهای مورد نیاز وجود ندارد. به عنوان مثال در این زمینه می‌توان به موضوع راه اشاره کرد. راه اصلی که کشمیر را به سایر مناطق متصل می‌کند از مظفرآباد - که مرکز کشمیر آزاد است - می‌گذرد و «سینگر» را به دهلی متصل می‌کند. این راهی است که مردم می‌توانند محصولاتشان را به دیگر مناطق ارسال کنند اما حدود ۲ سال پیش مردم مسلمان این منطقه به این دلیل که دولت هند زمینی را برای تاسیس معبد هندوها فروخت اعتراض کردند و پس از بستن این راه محصولاتشان را نرفتند. چرا که مردم این منطقه کشمیر - که بیشتر مسلمان اند - به زمین حساسیت زیادی دارند و بر این موضوع اصرار دارند که زمین به غیر مسلمان نروشنند. در پی این موضوع مواد غذایی فاسد شد و در واقع این کار نتیجه اقدام نادرست هند بود. اما از نظر علمی دانشگاهی که در مرکز کشمیر واقع شده، دانشگاه معتبر و خوبی است و در مجموع وضعیت علمی مردم خوب است. اما در بررسی تمام متغیرها به این نتیجه می‌رسیم که در مجموع وضعیت عمومی مردم خوب نیست. در حال حاضر خیلی از زیرساخت‌های لازم در کشمیر آماده

کشیمیر آن را حل کنند. شاید رایزن فرهنگی نتواند به همه بخش‌ها سفر کند و یا هم دولت هند ممانعت کند.

◀◀ ارتباط بین مسلمانان شیعه و سنی کشیمیر چگونه است؟

طی ۴۵ سال گذشته در منطقه کشیمیر هیچ گزارشی از اختلاف بین شیعه و سنی ارائه نشده است. جالب این که محبت و علاقه به اهل بیت(ع) میان اهل سنت کشیمیر هم وجود دارد و اختلاف جدی بین شیعه و سنی در کشیمیر دیده نمی‌شود. اما متأسفانه در چند سال اخیر وهابیون سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در این منطقه و دانشگاه، بیمارستان و... تاسیس کرده‌اند و در صد جذب جوانان هستند و طبیعتاً بهره‌هم خواهند گرفت. این خطر جدی برای آینده اسلام و مسلمانان است.

◀◀ فکر می‌کنید چه اقداماتی می‌توانیم انجام بدهیم؟

هم اکنون در شهر "سربنگر" زبان فارسی در مقطع لیسانس تدریس می‌شود. مطالبه آن‌ها این است که

دوره‌های چند ماهه در ایران برای شان برگزار شود و بتوانند از منابع و استادان ایرانی استفاده کنند. این کار امکانات خیلی زیادی نمی‌خواهد. یا این که یک حوزه علمیه در این منطقه است به نام حوزه علمیه امام رضاع)، با مدیر این مدرسه که صحبت می‌کردیم می‌گفت که اکنون نیازهای اولیه حوزه را نیز نمی‌توانند تامین کنند. حوزه علمیه برای تامین غذای مشکل دارد و بعضی مواقع به بقال سرکوجه بدهکار می‌شود، در حالی که وهابیون در این منطقه بوجه‌های زیادی خرج می‌کنند. این‌ها نکات قابل توجهی است که نشان می‌دهد باید یک فکر اساسی برای فرهنگ کشیمیر بکنیم و این شرایط را حفظ کنیم.

◀◀ فعالیت‌های مجازی و اینترنتی می‌تواند مفید باشد؟

بله در کشیمیر اینترنت وجود دارند.

◀◀ جایگاه رسانه‌های ایران از جمله پرس تی وی در کشیمیر چگونه است؟

پرس تی وی را تعطیل کرده‌اند. بعد از قضیه قرآن سوزی که پرس تی وی اخبار ماجرا را پوشش داد و مردم به خیابان‌ها ریختند و پلیس هم به شدت واکنش نشان داد و اعتراض‌ها را سرکوب کرد و ۱۹ نفر هم شهید شدند، دولت هند به شدت محدودیت ایجاد کرد و دفتر پرس تی وی را در کشیمیر تعطیل کردند. ▶▶



عکس: محمد کاظم

ایشان بگویند ما خود را ملزم به آن می‌دانیم. در شهر دیگری به نام "له‌نیز" با وجود این که ۷۰ درصد مردم آن بودایی هستند و از ۳۰ درصد مسلمان هم ۵ درصد اهل تسنن هستند مدارس امامیه تشکیل شده است که در واقع این مدارس به یاد امام خمینی(ره) و با توجه به ارادتی که مردم به امام داشتند، نام گذاری شده است. قابل توجه این که این مدارس مقاطع مختلف تحصیلی را پوشش می‌دهد و امکانات آموزشی آن نیز در حد بسیار بالایی است. حتی خیلی از بودایی‌ها نیز فرزندان شان را به این مدرسه اسلامی می‌فرستند.

◀◀ در این مدرسه‌ها سرفصل و ویژه‌ای با موضوع تشیع، انقلاب اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی(ره) نیز تدریس می‌شود؟

در کنار دروس معمول تجربی و ریاضی و... آموزش‌های اسلامی، قرآن و عقاید نیز دارند.

◀◀ به نظر شما در حال حاضر حوزه‌های علمیه، رایزن فرهنگی ما، وزارت خارجه و... چه کاری برای مردم و مسلمانان این منطقه انجام می‌دهند؟ مشکل فراموشی و دغدغه نداشتن است یا علت دیگری دارد؟

بعید می‌دانم که به دلیل فراموشی باشد. در مجموع ما حضور رسمی، جدی و فعال در کشیمیر نداریم. این مسأله‌ای است که باید مردم ما با حضور جدی در

طلاهای شان را جمع می‌کردند و برای رزمندگان ایرانی می‌فرستادند. مهم تر از همه این‌ها هم جو عمومی منطقه است که بین مناطقی که من سفر کرده‌ام تنها با جنوب لبنان شباهت داشت. البته شاید مناطق دیگری هم این گونه باشد که من اطلاع ندارم.

◀◀ این مدارس امامیه که درباره آن صحبت کردید، با هدف گسترش اندیشه‌های شهید مطهری شکل گرفته بود؟

بله، کتاب‌های شهید مطهری هم در این مدارس وجود دارد. ما روزی نزد آقای "کربلائی" رئیس این مدارس رفتیم و چند ساعت با او صحبت کردیم. خود او گفت با وجود این که منطقه ما تحت حاکمیت دولت هند است، اما خودمان تابع نظریات ولایت فقیه هستیم و هر چه

◀◀ در شهر دیگری به نام "له‌نیز" با وجود این که ۷۰ درصد مردم آن بودایی هستند و از ۳۰ درصد مسلمان هم ۵ درصد اهل تسنن هستند مدارس امامیه تشکیل شده است که در واقع این مدارس به یاد امام خمینی(ره) نام گذاری شده است. حتی خیلی از بودایی‌ها نیز فرزندان شان را به این مدرسه اسلامی می‌فرستند

نیست و این منطقه توسعه یافته محسوب نمی‌شود. این درحالی است که کشیمیر با ظرفیت‌هایی که دارد می‌تواند منطقه ثروتمندی باشد.

◀◀ نگاه کشیمیری‌ها به انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران چگونه است؟

حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد از ۱۰ میلیون جمعیت کشیمیر شیعه هستند. مردم به طور عموم و شیعیان به طور خاص محبت خیلی زیادی به انقلاب ایران دارند. ما در هر محله شیعه که وارد می‌شدیم در ورودی خیابان و معابر عکس امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری را نشان می‌دادند و این موضوع در خیلی از شهرها و روستاها مشهود بود.

◀◀ علاوه بر این چه نشانه‌هایی از علاقه مردم کشیمیر به جمهوری اسلامی ایران مشاهده کردید؟

در حسینیه کشیمیر که وارد شدیم نشانه جمهوری اسلامی را مشاهده کردیم. من با خودم فکر کردم که شاید ایران به این حسینیه کمک کرده است. ولی وقتی

از متولی حسینیه این موضوع را جویا شدم، گفت که نه، ایران کمکی به ما نمی‌کند. از او پرسیدم پس چرا این نشانه را این جا نصب کردید که پاسخ داد: این نشانه، نمایانگر هویت سیاسی ماست. همچنین ما به شهری

رفتیم به نام "کرگیل" که در شمال منطقه "جامو و کشمیر" قرار دارد و بیشتر جمعیت آن شیعه هستند. بعد از رحلت امام خمینی(ره) موسسه‌ای به نام امام خمینی(ره) در این شهر تشکیل شده بود و جالب این

که یکی از اعضای این موسسه در شورای شهر انتخاب شده بود که این نشان می‌دهد جو قالب منطقه به این صورت بوده است. موسسه یاد بود امام خمینی(ره) در

مسائل فرهنگی هم فعالیت‌های داشته و در قالب سلسله مدارس به نام شهید مطهری و شهید ذاکری فعالیت می‌کند. یک روز به قبرستانی قدیمی رفته بودیم که

اسامی ایرانی زیادی در آن بود. در این حال جوانی از اهالی آمد و با هم صحبت کردیم. مقداری که بحث

پیش رفت او به ما گفت: "من یک جمله بگویم که خیال تان راحت شود. ما اینجا در واقع به حاکمیت دولت هند قائل نیستیم. در حالی که اگر جنگی اتفاق بیفتد حتی

حاضریم برای ایران بجنگیم و جان مان را هم بدهیم." همچنین درسفرمان به یکی از روستاهای این منطقه

رفتیم و با امام جماعت مسجد آن جا هم کلام شدیم. او می‌گفت: "مردم این روستا در زمان جنگ ایران و عراق

جو عمومی این منطقه با جنوب لبنان شباهت داشت درحالی که ایران فعالیت‌های جدی در آن جا ندارد



خیزش شرق

محمد سجاد پرخیده

زمانی که ایرانیان دروازه های خود را بر روی سپاهیان اسلام گشودند، کمتر کسی فکر می کرد که روزی این هموطنان سلمان فارسی، در عمل به اسلام و بسط و نشر آن بیش از اعراب موثر باشند. حقیقت آن است که عمده گسترش مرزهای دنیای اسلام به سمت شرق از فیلتر ایران مسلمان شده گذشته و جالب آن که این تاثیر بیش از آن که متکی به نیروی شمشیر باشد، به شکلی مسالمت آمیز و در جریان آمد و شد بازرگانان، دانشمندان و سیاحان مسلمان ایرانی پدید آمده است. این نکته دقیقاً خلاف جریان گسترش مسیحیت است که با شمشیر امپراتوری روم و پس از آن نیز توسط دول اسپانیا و پرتغال و با توسل به قوه قهریه حاصل آمده است. شاهد این مدعا کشور اندونزی به عنوان پرجمعیت ترین کشور اسلامی است که تنها در خلال داد و ستدهای صلح آمیز بازرگانان و ملاحان با اسلام آشنا شده و آن را پذیرفته است، در حالی که آمریکای لاتین و جنوبی به عنوان پرجمعیت ترین حوزه مسیحی نشین، پس از نسل کشی های فراوان و سبعت های بی شمار، طوق اطاعت از واتیکان را به گردن انداخته است. تاثیرات حوزه تمدن ایرانی-اسلامی تنها به ورود اسلام به شرق منتهی نمی گردد. بسیاری از دولتمردان و رجال صاحب نام و نیک سیرتی که نقشی به سزا در پیشبرد فرهنگ خاور دور داشته اند از اصالتی ایرانی برخوردار بوده اند. برای مثال، ابن بطوطه در سفرنامه خود در وصف بندر هندی «کالیکوت» - که بزرگترین بندر دنیا می خواندش - می نویسد: «هر چند سلطان کالیکوت» کافری است سالخورده»، که ریش خود را بسان رومیان می تراشد، ولی بزرگان شهر بیشتر مسلمان و بسیاری ایرانی اند. امیرالتجار شهر، ابراهیم، از اهالی بحرین و مردی خیر و صاحب فضایل است. قاضی شهر، فخرالدین عثمان، مردی فاضل و کریم است. شیخ شهاب الدین کارزونی زاویه شهر را اداره می کند و نذرهایی که مردم هندوستان و چین در حق شیخ ابواسحاق کارزونی می کنند به او می رسد».

همچنین وی پس از بازدید از جزیره جاوه در اندونزی فعلی می نویسد: نایب البحر(جانشین فرمانده نیروی دریایی) جاوه فردی است به نام بهروز، و سایر رجال عالیرتبه ای که به استقبال ابن بطوطه می آیند قاضی امیر سید شیرازی و تاج الدین اصفهانی و "جمعی دیگر از فقهایند". نفوذ فرهنگ اسلامی ایرانی در جزایر اندونزی و مالزی را از سنگ قبرهایی می توان یافت که در آن ها نام های ایرانی و اشعاری از سعدی حک شده است. ابن بطوطه در چین، در شهر معظم بندری «زیتون» (تسه توتون، فوکیدون فعلی) که از کانون های مهم تجاری ایرانیان در آن منطقه بود می گوید: قاضی مسلمانان شهر، تاج الدین اردبیلی، مردی فاضل و کریم است و شیخ الاسلام کمال الدین عبدالله اصفهانی از صلحای روزگار. شرف الدین تبریزی، از بزرگان تجار شهر، تاجری «خوش معامله» است که قرآن را از حفظ دارد و زیاد به قرائت آن می پردازد. از مشایخ بزرگ این بندر، برهان الدین کارزونی است که در بیرون شهر در زاویه ای مقیم است. به طور کلی سده های چهاردهم و پانزدهم میلادی/ هشتم و نهم هجری دوران نفوذ فرهنگ ایرانی-اسلامی در آسیا از خلیج فارس و ماوراء النهر تا کرانه های اقیانوس آرام است. رجال صاحب نام ایرانی به یمن کاردانی و نیک سیرتی در دولت های مختلف هند و تایلند و چین رده های بالایی داشتند و فقها و اندیشمندان ایرانی در نظامیه ها و مدارس از ارج و قربی بالا برخوردار بوده اند. این ارتباط قوی ایران با دنیای اسلام تنها به دوران قبل از اسلام نیز محدود نیست. زمانی که غربیان همچون طاعونی ویرانگر از راه رسیدند و اسباب عقب ماندگی و ویرانی ملل شرقی خصوصاً مسلمانان را فراهم آوردند، باز هم مراوداتی را میان ایران و مسلمانان آسیا و شبه قاره شاهدیم. در جریان نهضت استعمارستیزی هندیان، نامه هایی به دربار ایران روانه می شود تا برادران مسلمان ایرانی به یاری اهالی هند بشتابند. هرچند این تقاضا به دلیل ضعف مفرط شاهان قاجار بی پاسخ می ماند، با این حال نشان دهنده

آرمان های امام خمینی(ره) برخاسته از روح ملل شرق بود و لذا بی واسطه درک شد. علاوه بر این، یکی از راهبردی ترین تلاش های امام تربیت شاگردانی بود که هرکدام در بسط و نشر آرمان انقلاب تاثیرگذار بوده اند. این شاگردان و اصحاب تنها به ایرانیان محدود نمی شدند و بسیاری از علمای شیعه از لبنان تا کشمیر را در بر می گیرد.

بزرگ ترین ارمان انقلاب اسلامی، احیای حس «اعتماد به نفس» مسلمانان بود. در گذشته مبارزات ضد امپریالیستی تنها صبغه ای سوسیالیستی و چپ داشت. حاصل این مبارزات در صورت پیروزی نیز نه استقلال، که وابستگی به بلوک شرق بود. اما انقلاب اسلامی ثابت کرد که می توان نه شرقی و نه غربی بود و مهم تر آنکه پیروز شد. غلبه بر یکی از قدرتمندترین رژیم های منطقه که از ارتشی مجهز و سیستم امنیتی مخوف و بی رحمی برخوردار بود، این نکته را ثابت کرد که غلبه بر مستمگران غیرممکن نیست. در حقیقت مهمترین ابزار سلطه استعمارگران نه نیروی نظامی، که القای حس ضعف و رعب افکنی بود. با پیروزی انقلاب اسلامی، حتی مبارزان تهیدست افغانی نیز جانی تازه گرفتند و اشغالگران روس را از مرزهای خود بیرون راندند. در ادامه نگاهی دقیق تر به اثرات انقلاب اسلامی بر ملل مسلمان شرق داریم:

◀ نمونه موردی افغانستان

علقه های نژادی، زبانی، مذهبی و فرهنگی ایران و افغانستان با هیچ کشور دیگری قابل قیاس نیست. افغانستان تنها کشور دنیاست که هم خط و هم زبان رسمی آن مانند ایران است. تنها صد و اندی سال است که این برادر کوچک تر به دلیل خیانت و ضعف قاجاریه از پیکر ایران بزرگ جدا شده است. این کشور متشکل از اقوام با مذاهب اسلامی گوناگون است که زندگی مسالمت آمیزی با هم داشته و تنها در سال های اخیر است که در اثر القای دشمنان اسلام، اصطکاکات مذهبی پا گرفته است. تهاجم شوروی سابق به افغانستان گویا توطئه ای آمریکایی و عمدتاً از سوی هنری کیسینجر بود تا به اصطلاح «ویتنام شوروی» به روس ها تقدیم شود. روس ها در چند نوبت به امام خمینی(ره) پیغام دادند که در ازای دست برداشتن از مجاهدان افغانی، حاضرند حمایت خود از صدام را تعدیل کنند اما امام خمینی(ره) این خیانت در حق مجاهدان افغانی را نپذیرفت. نهایتاً مجاهدان افغان ملهم از پیروزی های ایران در انقلاب و دفاع مقدس، متجاوزان شوروی را از خاک خود بیرون راندند. اما متأسفانه این پیروزی با توطئه ای دیگر به جنگ داخلی و فرقه ای بدل شد. هجوم پدیده طالبان خسارت های یک جنگ طولانی را مضاعف کرد و نهایتاً با حمله آمریکا به بدترین شکل ممکن درآمد. با این حال الهام بخشی ایران برای افغانستان کار را برای اشغالگران سخت ساخته است و باید دید این منطقه استراتژیک در آینده به کدام سو می رود.

◀ نمونه موردی کشمیر

پرچم های برافراشته شده، تصاویر رهبران شیعه ایران و لبنان نشان می دهد که چگونه شیعیان حیات دوباره پیدا کرده اند و چگونه مذهب شیعه حتی در جایی که شیعیان آن اندک هستند و تاریخی دردناک دارند می تواند دوباره حیات و اقتدار خویش را بازیابد.

برای شیعیان کشمیر پیروزی شیعه در ایران، لبنان، عراق همچون پیروزی آنان است. آسودگی خیال از اینکه سرانجام پس از آنکه قهرمانان آنان در ۱۵۰۰ سال پیش در صحرای کربلا جان دادند بار دیگر کسانی آمدند تا شیعه را زنده کنند و این زنده شدن شیعه برای شیعیان کشمیر زندگی دوباره است.

شیعیان کشمیر با برافراشتن و علم کردن بیرق های سیاه و حمل آن از محلی به محل دیگر به رغم نبود راهبری در درون خویش، به یاد قهرمانان شیعه در بیرون از مرزهای کشمیر یاد محرم و شیعه را زنده نگه می دارند. شیعیان در کشمیر با این امید در "سرینگر"، "باراملا"، "بادگم" و حتی در دورترین نقطه "کارگیل" یا "کارگیل" محرم را زنده نگاه می دارند.

اگرچه آمار رسمی در مورد جمعیت شیعیان کشمیر وجود ندارد اما بر اساس یک برآورد محافظه کارانه در سراسر ایالت (تحت کنترل هند و پاکستان) در حدود

میزان اعتماد مسلمانان هند به ایرانیان است. سرانجام در نیمه شب تیره استعمار و استبداد، و در دوران مہجوریت اسلام، روح الله الموسوی الخمینی، بار دیگر مشعل اسلام را برافراشت. انقلاب اسلامی پدیده ای یک شبه نبود. تجربیات مشروطه و ملی شدن نفت، و کوشش های متعدد ایرانیان برای کسب مجدد استقلال در کنار تجربیات سایر علمای اسلام و نهضت هایشان در سایر نقاط جهان، امام خمینی(ره) را برخوردار از بینش سیاسی عمیقی کرده بود که در کنار تقوا و اخلاص ایشان، راهگشای امت در فتنه های گوناگون بود. آن هم درست در نقطه ای که برای غرب «جزیره ثبات» محسوب می شد و شاه به عنوان متحدی قابل اعتماد، ژاندارم منافع غرب در خاورمیانه بود. تکانه های انقلاب ایران به حدی بود که از همان ابتدا بسیاری از سیاسیون دنیا به سرعت به آن واکنش نشان دادند. رژیم های مرتجع عربی که از وقوع حادثه ای مشابه در کشورهای خود بیمناک بودند، شورای همکاری خلیج فارس را بنا نهادند تا تصمیمات خود را علیه این پدیده هماهنگ کنند. نظام سلطه رژیم بعث را علیه ایران تحریک نمود و از سوی دیگر حصر اقتصادی و سیاسی را آغاز کرد.

اما مستضعفان و پابرهنگان در این میان سمتی دیگر گرفتند. هم آوایی با انقلاب اسلامی حتی در میان مبارزان غیرمسلمان نیز به چشم می خورد. خصوصاً که رهبر انقلاب اسلامی بر حمایت از همه محرومان مظلومان تاکید می نمود و این در میان افواه به «صدور انقلاب اسلامی» شهرت یافت. توجه شود که نظام سلطه در راستای ایران-هراسی و اسلام-هراسی، صدور انقلاب را مترادف با دخالت سیاسی و حتی نظامی ایران در کشورهای همسایه یا جهان می داند، در حالی که مراد اصلی از صدور انقلاب، بسط و نشر «فرهنگ انقلابی» و برپایه تعامل و گفتگو و نه قوه قهریه است.

این دقیقاً همان اتفاقی است که روی داد. برخلاف جریان های روشنفکری در شرق که معمولاً بیش از آن که در تناسب با جامعه باشند با غرب در تعامل اند،





جای خالی انقلاب دوم در فضای مجازی!

حضور ضعیف فرزندان انقلاب در شبکه‌های اجتماعی مجازی!

یادداشت اختصاصی لیلا صالح*

ترجمه: محمد ولوی

بیش از سه دهه از انقلاب ایران می‌گذرد. انقلابی که هرچند سبب اتخاذ سیاست‌های ستیزه جویانه غرب نسبت به ایران شد، اما نوعی جدید از سبک زندگی را به شرق عرضه کرد. ایران در طول سی سال گذشته فراز و فرودهای زیادی را تجربه کرده است، ظلم‌های زیادی از سوی غرب به او تحمیل شده است، با این حال علی‌رغم این، دشمنی دولت‌های غربی هرگز نتوانسته اند مسیر و ساختار ایران را در طول سی و دو سال گذشته تغییر دهند. مردم ایران همچنان با عزمی پابدار، عاشقانه بر پای اصول خود علیه غم‌انگیزات ناروایی همچون تقلب در انتخابات یا محکومیت پیاده سازی قوانین شرع اسلام از سوی غربی‌ها ایستاده اند. این انقلاب برای همیشه سیاست‌های ایران را دگرگون نمود و آن را تبدیل به جمهوری اسلامی ایران کرد. نظام قدرتمندی که به دلیل ساختار آن بعید است در آینده نیز دچار دگرگونی و انحراف شود.

در شرایطی که برای نسل جوان امروز در بسیاری از نقاط جهان سبک زندگی غربی مطلوب تر از دیگر سبک‌های زندگی شده است، نگاه آنان به جمهوری اسلامی چگونه است؟ یک روش برای فهمیدن این مسئله و شاید تنها مسیر ممکن آن دروازه و منبع بی‌انتهای داده‌ها و اطلاعات یعنی اینترنت است. هم‌اکنون بد نیست نگاهی گذرا به آمار شبکه‌های اجتماعی در مورد مهم‌ترین بخش تاریخ ایران که در ایام جشن‌های سی و دومین سال وقوع آن هستیم، بیندازیم. این ایام بهترین زمان برای مردم سراسر جهان است که دو روی این داستان را بشنوند. دو دیدگاهی که آن‌ها می‌توانند آموخته‌ها و تفاسیر خود را بر مبنای آن استوار سازند. نکته شگفت‌انگیز در مورد اینترنت این است که ایرانی‌ها می‌توانند بوسیله آن انقلاب دومی را ایجاد کنند. یک انقلاب تکنولوژیک. به من اجازه دهید در اینجا شما را با شگفتی‌های اینترنت و اطلاعات موجودی که در آن درباره انقلاب اسلامی وجود دارد آشنا کنم.

با شروع جشن‌های سالگرد انقلاب اسلامی مواجهه با هر دو نوع رویکرد مخالف و موافق نسبت به انقلاب در سطح شبکه جهانی اینترنت انتظار می‌رود. اما در این فضا غوغاسالاران ضد انقلاب اسلامی بسیار بیشتر از حامیان آن هستند. برای مثال در فیس‌بوک که یک عرصه عمومی برای فعالان در به اشتراک گذاری تمایلات خود در مورد هرچیز و هر موضوعی است. پانصد میلیون نفر کاربر در آن از سراسر جهان وجود دارد. شما در مدت چند دقیقه ثبت نام می‌کنید و سپس در دنیای جدید خود غوطه‌ور می‌شوید. توییت نیز که امروز یکی دیگر از سایت‌ها در شبکه‌های اجتماعی است و یک نوع بهتر از ارتباط را برای کاربران به علت اجازه استفاده از ۱۴۰ کاراکتر برای هر پیام به طور مختصر داده است. یک حساب توییت می‌تواند به طور مجازی در هر جایی که ابزار ارتباطی اینترنت وجود دارد به روز شود. کاربران می‌توانند با ورود نام کاربری و رمز عبور هر موقع از روز که خواستند وارد آن شده و به نشر اخبار لحظه به لحظه و اشتراک گذاری لینک‌های خبری در مورد همه چیز و همه جا بپردازند. هر کاربر می‌تواند با کاربر دیگر در منطقه زندگی خود و سرتاسر جهان تعامل برقرار کند و به تبادل اطلاعات در مورد زوایای پنهان کشور خود بپردازد. با یک جستجوی سریع در مورد انقلاب اسلامی و ایران و مباحث طرح شده و صفحات ایجاد شده در آن توسط فعالان، صفحات حامی ایران کمیاب است و جای خالی طرفداران بی‌شمار انقلاب اسلامی در سراسر جهان به چشم می‌خورد.

این برای من خیلی ناراحت کننده است. اما واقعیت این است: فعالان شبکه‌های اجتماعی هیچ تلاش قابل توجهی نکرده‌اند که تصویری درست از انقلاب اسلامی به نسل جوان امروز جهان ارائه دهند. مشکل ممکن است زبان متفاوت مردم ایران از بقیه مردم جهان باشد. زبان انگلیسی امروز رایج‌ترین زبان مورد استفاده مردم جهان است. زبانی که باید مورد استفاده هر ایرانی دوستدار انقلاب اسلامی در شبکه جهانی اینترنت قرار بگیرد. این حجم تولید محتوا در مورد انقلاب اسلامی به زبان انگلیسی با توجه به ماهیت آن بسیار ناچیز است. به دلیل همین ضعف هاست که غوغاسالاران می‌توانند ایران را به گونه‌ای که خود مایلند به مخاطبان خود القا کنند. امواج آلوده رسانه‌های اغواگر غربی امروز به لقای این مطلب بویک یا راه اندازی یک وبلاگ در مورد حقیقت کاری آسان‌تر از راه اندازی یک حساب در توییت یا فیس‌بوک یا راه اندازی یک وبلاگ در مورد حقیقت انقلاب اسلامی وجود ندارد. این کار واقعا امر مشکلی نیست که نتوان از پس آن برآمد. فعالان مستقل و عدالتخواه فراوانی هستند که تشنه شنیدن حقیقتند. شما می‌توانید با ورود به این عرصه با آنها ارتباط برقرار کرده و علاوه بر فرصت آشنایی با افراد جدید از سراسر جهان پیام انقلاب و مردم خود را به جهانیان برسانید.

* آمریکایی لبنانی الاصل - فعال صلح شبکه‌های اجتماعی اینترنتی ▶▶

جعفری» معروف گردیده و نهایتاً سبب استثنا شدن شیعیان از مصوبه دولت ضیاء الحق شد. این واقعه به همراه چندین پیروزی سیاسی دیگر شیعیان پاکستان، سبب شد این روحانی پاکباز و مخلص به ضرب گلوله جریان افراطی به شهادت رسد. هم‌اکنون دل سپردگان انقلاب اسلامی در مضیقه کژروی‌های افراطیون وهابی و سلفی روزگار خوبی ندارند. خصوصاً در منطقه پارچنار از ایالت پنجاب، که شهرها و روستاهای شیعه نشین بسیاری در آن واقع است، شیعیان در محاصره نظامی قرار دارند و ناچارند برای حفظ جان خود و جلوگیری از نسل‌کشی‌هایی نظیر قتل عام شیعیان هزاره در مزارشریف افغانستان، شبانه روز به مراقبت مسلحانه از سرحدات منطقه بپردازند.

◀ سلفی‌گری و انقلاب اسلامی

شناخت دنیای غرب از اسلام تا قبل از انقلاب اسلامی به بعضی جنبش‌های عموماً ناموفق در کشورهای عربی محدود بود. انقلاب اسلامی توان خیره‌کننده قرائتی دیگر از اسلام را به جهانیان نشان داد که بسیار پرخروش، سیاسی، فعال و قدرتمند بود و هیچ شباهت به تجربیات قبلی از اسلام نداشت. این اسلام با صبغه‌های عمدتاً شیعی و ملهم از واقعه کربلا، با آرمانی به نام «شهادت طلبی» به سرعت در میادین مختلف به پیروزی می‌رسید و به نظر می‌رسید با راهکارهای معمولی و سرکوب نمی‌توان به مقابله با آن رفت. در اینجا بود که قرائتی انحرافی و تقلیدی از شهادت طلبی و آرمانخواهی اسلام فقه‌گرای شیعه ایجاد شد که مبتنی بر شرع حنبلی اما به غایت متحجرانه تر بود. در حقیقت، سلفی‌گری دقیقاً واکنشی بود در برابر انقلاب اسلامی و حضور دین در عرصه سیاست و جامعه.

این جریان با حمایت مالی شیوخ وهابی و پشتیبانی اطلاعاتی و نظامی دنیای غرب و سرویس مخفی پاکستان در مدارس طلبگی افغانستان و پاکستان متولد و امروزه در قفقاز و حتی ترکستان چین به رشد بیمارگونه خود ادامه داده و مسبب مشکلات زیادی حتی برای بنیان گذاران خویش شده است. مشهودترین زبان این جریان انحراف مبارزه جویی مسلمانان از دشمنان واقعی خود به درگیری‌های مذهبی درونی است و فرصتی طلایی برای بلعیده شدن ملل اسلامی را به متجاوزان می‌دهد. اشغال نظامی افغانستان و حفظ حضور نظامی آمریکا در عراق، قرار گرفتن تنها قدرت اتمی دنیای اسلام - پاکستان - در آستانه فروپاشی، بحرانی شدن اوضاع در کشمیر و حتی قفقاز از ثمرات شوم سلفی‌گری است. با این حال توجه شود که عقیده فرهنگی جریان سلفی بسیار ضعیف است و با اندکی کار فرهنگی و روشن‌گری می‌توان مقابله‌ای مؤثر در برابر آن داشت. با این حساب، به نظر می‌رسد که قدرت‌گیری سلفی‌ها تنها ناشی از ضعف و کم‌کاری جبهه اسلام‌ناب محمدی در برابر اسلام‌آمریکایی است. فراموش نکنیم که در جریان اختلافات داخلی پس از انتخابات و تضعیف ام‌القرای اسلام‌ناب محمدی، شیعیان یمن و پارچنار پاکستان و عراق یکی از خونبارترین دوران خود را سپری کردند. یکی دیگر از چالش‌ها بر سر ارتباط سازنده ایران با جنبش‌های اسلامی و شیعی سایر نقاط دنیا، عدم درک اهمیت آن از سوی برخی کشورهای جامعه ایران است. در حالی که در کشمیر و لبنان، عموم مردم به شدت پیگیر اخبار ایران و وقایع داخلی آن و پیشرفت و یا مشکلات آن هستند، به نظر می‌رسد جز برخی نخبگان ایران، عموم مردم در نوعی بی‌خبری نسبت به برادران و خواهران دینی هستند. این امر نشان دهنده ضعف رسانه‌های عمومی ایران در تبیین رسالت جهانی انقلاب اسلامی است و نتوانسته است مزایای مادی و معنوی ایستادن در کنار مستضعفان را برای نسل‌های جدید بعد از انقلاب تبیین کند. به نظر می‌رسد جبهه فرهنگی مقاومت در برابر نظام سلطه نیازمند بازتعریف جدیدی از برنامه‌ها و اهداف خویش است. فعالیت‌های جزیره‌ای در عصر دیجیتال ماحصلی جز ائتلاف نیروها ندارد و باید شبکه‌ای منسجم از وعاظ و مبلغین و سیاسیون وفادار به اسلام‌ناب محمدی با هماهنگی مناسب در سطح منطقه و بین الملل ایجاد شود و دست متجاوزان به آب و خاک دنیای اسلام را کوتاه نمود. ▶▶

یک و نیم میلیون شیعه زندگی می‌کنند و براساس یک برآورد تقریبی جمعیت شیعه در ایالت جامو و کشمیر تحت کنترل هند یک میلیون می‌باشد که ۱۰ درصد از کل جمعیت این ایالت را تشکیل می‌دهد.

براساس این برآورد شیعیان بیشتر در مناطق شمالی "گیلگت -بالتستن" حضور دارند که تحت کنترل پاکستان است. در حدود ۸۹ درصد جمعیت در "بالتستن" و ۶۰ درصد "گیلگت" را شیعیان تشکیل می‌دهند. این در شرایطی است که این مناطق که تحت کنترل پاکستان می‌باشند همواره با سیاست‌پراکنده‌گری جمعیتی که از سوی اسلام‌آباد دنبال می‌شود مواجه بوده‌اند. دولت‌های وقت پاکستان در واقع سعی کرده است با تغییر ترکیب جمعیت مانع از تشکیل احزاب و گروه‌های سیاسی شیعه‌داری منافع یکسان شوند.

در کشمیر تحت کنترل هند جامعه شیعه بطور اخص در سرینگر پایتخت تابستانی ایالت جامو و کشمیر تمرکز پیدا کرده‌اند. همچنین باراملا، بادگم و بخش‌هایی از "بندی پور" و منطقه "لاداخ" محل زندگی جمعی از شیعیان است.

براساس شواهد، شیعیان در منطقه جنوبی کشمیر دیده نمی‌شوند و بطور واقعی در دره "چیناب" که از نظر تاریخی مورد هجوم مغول و افغان‌ها در طول قرن‌های ۱۶ تا ۱۸ بوده‌اند، حضور ندارند. در حال حاضر نفوذ معنوی جمهوری اسلامی در منطقه کشمیر کاملاً واضح است. مردم کشمیر شیعیانی معتقد به مذهب اند و دین‌ورزی ایشان صبغه‌ای سکولاریستی ندارد. هم‌نخبگان و هم‌خواص نسبت به امام خمینی(ره) و اندیشه‌های ایشان ارادت تام دارند. البته بافت قبیله‌ای و عشیره این منطقه چنان است که شیوخ طوایف از قدرت عمل زیادی برخوردارند. در سال‌های اخیر با نفوذ وهابیت، منطقه دستخوش آشوب گردیده اقلیت سلفی به مدد کمک‌های مالی و نظامی کشورهای عربی هم از لحاظ فرهنگی و هم از لحاظ امنیتی در حال دست‌اندازی به مناطق شیعه‌نشین هستند. مقارن نفوذ سلفی‌گری، بعضی اعمال بی‌پایه و خرافی نیز سبب وهن تشیع شده است. از جمله قمه زنی که با تحریم رهبر معظم انقلاب مواجه است، اما اعلام این تحریم به دلیل آن که به مذاق بعضی رهبران طایفه‌ای خوش نیامده و سبب نوعی تیرگی در روابط با ایران شده است. به نظر می‌رسد تشنه‌تر در رهبری دینی-سیاسی شیعیان سبب شده با وجود کثرت جمعیتی شیعیان و نیز وضع عموماً مناسب مالی، نتوان چنان که باید از این پتانسیل استفاده کرد.

◀ نمونه موردی پاکستان

مسلمانان پاکستان اعم از شیعه و سنی استقلال-طلب و مخالف سلطه بیگانه‌اند. این نکته را در استقلال‌شان از سرزمین هند می‌توان دید. هرچند که امروز دولت پاکستان حکومت چندان مستقلاً نیست، اما ملت پاکستان هنوز بر استقلال پای می‌فشارد. برخلاف بعضی دیگر از ملل اسلامی که در نوعی رخوت عمومی به سر می‌برند، مردم پاکستان نسبت به تحولات سیاسی و بین‌المللی بسیار حساس هستند. نخستین حرکت‌ها علیه انتشار کتاب سلمان رشدی توسط پاکستانی‌ها صورت گرفت. با چنین روحیه‌ای، دور از ذهن نیست که پاکستانی‌ها با نظری مساعد به یک حرکت استقلال طلبانه مبتنی بر اسلام داشته باشند. نکته مشکل آفرین نفوذ جریان سلفی به پاکستان است. این جریان منطقه بین افغانستان و پاکستان را دستخوش آشوب ساخته و اثرات مخربی بر امنیت پاکستان و کشورهای اطراف گذارده است. از بزرگ‌ترین رهبران شیعیان پاکستان، مرحوم شهید سید عارف حسین حسینی بود. وی روحانی پرشور بود که در نجف و قم تلمذ کرده و با عمق اندیشه‌های امام خمینی(ره) آشنا بود. اولین تحرک جدی سیاسی شیعیان پاکستان در زمان ضیاء الحق بود که دولت تنها فقه حنبلی را مبنای احکام شریعت اعلام نمود. به دنبال این اتفاق، شهید حسینی به سازمان‌دهی اعتراض مدنی گسترده‌ای اقدام کرد که تا قبل از آن در تاریخ پاکستان مشابهی نداشت و به وضوح نشان دهنده تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی است. این حرکت به دلیل تأکید بر فقه جعفری به «تحریرک

محبت زیاد شیعیان پاراچنار به انقلاب اسلامی و بی تفاوتی ما!

روایت سهیل کریمی از شیعیان فراموش شده پاراچنار

سید امین مقدم حسینی - محسن هوشمند

«یک کامیون حامل کمک‌های اضطراری و طیبورزنده برای مردم تحت محاصره پاراچنار توسط طالبان به یغمارفت.» این جمله، خبری بود که روز چهارشنبه ۲۹ دی ماه در یکی از سایت‌های خبری درباره آخرین وضعیت مردم پاراچنار منتشر شده در ادامه این خبر آمده است: «این کامیون که از پیشاور پاکستان با هدف شکستن محاصره وهابیون و طالبان به سمت پاراچنار در حال حرکت بود، در بین راه متوقف شد و ضمن کشته شدن همه سرنشینان، تمام محموله آن نیز به غارت رفت. این در حالی است که طی چند روز گذشته، دولت پاکستان در همراهی با طالبان و برای تحت فشار گذاشتن بیشتر شیعیان پاراچنار، تنها مسیر مخابراتی مردم منطقه با یکدیگر و دیگر ملل دنیا - که استفاده از سیم کارت‌های افغانی بود - را از طریق تکنولوژی‌های متداول، مختل کرده و دیگر امکان ارتباط تلفنی با پاراچنار و مناطق تابعه وجود ندارد. طی چند هفته گذشته محاصره منطقه شیعه نشین پاراچنار سخت تر شده و این منطقه با آماج حملات دامنشانه دشمنان شیعه مواجه بوده است. در این حملات بیش از ۵۰ شیعه پاراچناری به دل خراش‌ترین شکل ممکن به شهادت رسیده یا مفقود شده‌اند.»

این خبر تنها نشان دهنده وضعیت چند روز منطقه شیعه نشین پاراچنار است. از حدود ۳۰ سال قبل نیروهای طالبان با همکاری ارتش پاکستان این منطقه را محاصره کردند و شیعیان پاراچناری در برابر نیروهای متجاوز به مقاومت و مبارزه پرداختند.

«سهیل کریمی» جزو معدود ایرانیانی است که طی ۳۰ سال اخیر توانسته از محاصره طالبان بگذرد و خود را به منطقه پاراچنار برساند. این مستندساز کشورمان با هدف تهیه مستندی با عنوان «زخم پیوار» پا در راه این سفر گذاشت. البته کریمی برای گذشتن از سد محاصره نیروهای طالبان دشواری‌های بسیاری را متحمل شده است.

«شهر پاراچنار مرکز فرمانداری کورم ایجنسی پاکستان است. این شهر پس از جدا شدن پاکستان از شبه قاره هند در خاک این کشور تازه تاسیس قرار گرفت. پاراچنار در حال حاضر حدود ۲۰۰ هزار نفر جمعیت دارد که تمام مردم آن شیعه مذهب هستند»

«تنها طی ۳ سال گذشته هزار و ۳۰۰ نفر از مردم کورم ایجنسی به شهادت رسیده‌اند و هزار و ۵۰۰ زن و کودک نیز به دلیل نبود دارو و امکانات بهداشتی جان باخته‌اند»

کریمی در حالی توانسته است خود را به پاراچنار برساند که ورود به این منطقه تحت محاصره برای خود مردم پاکستان هم ممنوع است و اهالی منطقه نیز با مشکلات بسیار زیادی تردد می‌کنند. وی که اخیراً به این منطقه سفر کرده است در گفت‌وگویی با ما از مشاهدات خود در این سفر ۳ هفته‌ای و میزان علاقه شیعیان پاراچنار به انقلاب اسلامی ایران سخن می‌گوید. شهر پاراچنار مرکز فرمانداری کورم ایجنسی پاکستان است. این شهر پس از جدا شدن پاکستان از شبه قاره هند در خاک

این کشور تازه تاسیس قرار گرفت. پاراچنار در حال حاضر حدود ۲۰۰ هزار نفر جمعیت دارد که تمام مردم آن شیعه مذهب هستند. کورم ایجنسی نیز در مجموع حدود یک میلیون نفر جمعیت دارد که ۶۰۰ هزار نفر آن شیعه هستند. منطقه کورم ایجنسی و شهر پاراچنار طی سالیان اخیر دستخوش تغییر و تحولات گوناگونی بوده و درگیری‌های گسترده‌ای را شاهد بوده است.

«از تهران تا پاراچنار»

سهیل کریمی در ابتدا به شرح ماجرای سفرش به پاراچنار و سختی‌هایی که در این مسیر متحمل شده است می‌پردازد. او می‌گوید: برای رسیدن به پاراچنار ۲ مسیر وجود دارد. یک راه که وارد پاکستان می‌شود و از آن جا به صورت قاچاقی به پاراچنار بروی و دیگری مسیر اساساً غیرقانونی که باید از طریق افغانستان و جلال‌آباد - که یک مسیر کوهستانی است - به پاراچنار وارد شود.

کریمی با اشاره به این که از ۳ سال قبل قصد سفر به پاراچنار را کرده بوده است، چنین می‌گوید: من تصمیم گرفتم که از راه دوم به این منطقه برویم. به این صورت که ابتدا وارد پاکستان شویم و بعد هم با توجه به این که منطقه کورم ایجنسی تحت محاصره قرار دارد، از مرز پیشاور وارد افغانستان شویم و از سمت جلال‌آباد به پاراچنار برویم. از همین رو برای گرفتن ویزای پاکستان از طریق سفارت این کشور اقدام کردیم و در نهایت توانستیم ویزای سفر به پاکستان را برای تهیه یک اثر مستند و به عنوان خبرنگار دریافت کنیم. البته ما به هیچ عنوان نگفتمیم که قصد سفر به پاراچنار را داریم.

او ادامه می‌دهد: اما با توجه به این که می‌دانستیم در صورت سفر رسمی به پاکستان از ایران، بی‌گمان مورد تعقیب ISI (سرویس امنیتی پاکستان) قرار می‌گیریم و مشکلات زیادی برای ما به وجود می‌آید، از طریق یکی از کشورهای همجوار وارد پاکستان شدیم.

کریمی سپس به ماجرای ورودشان به منطقه کورم ایجنسی و شهر پاراچنار اشاره و عنوان می‌کند: زمانی که وارد پیشاور شدیم، احتمال نزدیک به واقع می‌دادیم که ISI وضعیت ما را شناسایی کرده باشد. از این رو ابتدا به لاهور رفتیم و از آثار باستانی، مزار علامه اقبال، مراسم تبادل پرچم میان هند و پاکستان و... فیلم برداری کردیم و سپس به پیشاور بازگشتیم. وقتی به آن جا رسیدیم برای مان لباس پاکستانی و کلاه چترالی آماده کرده بودند و گفتند که از این پس به هیچ عنوان نباید فارسی صحبت کنیم. بعد هم با کلی درس و نذر و نیاز توانستیم با استفاده از یک هواپیمای ۲ موتوره، از طریق فرودگاه و به طور معجزه آسای، قانونی وارد پاراچنار شویم. پس از آن هم با کمک تعدادی از دوستان مان که اهل روستای پیوار (زادگاه شهید عارف حسینی) بودند، برای اقامت به روستای پیوار رفتیم.

«شهادت هزار و ۳۰۰ نفر طی ۳ سال»

این مستندساز ایرانی سپس درباره وقایع چند سال اخیر این منطقه می‌گوید: تنها طی ۳ سال گذشته هزار و ۳۰۰ نفر از مردم کورم ایجنسی به شهادت رسیده‌اند و هزار و ۵۰۰ زن و کودک نیز به دلیل نبود دارو و امکانات بهداشتی جان باخته‌اند. همچنین حدود ۵ هزار نفر از مردم منطقه هم در این مدت جانباز قطع عضو شده‌اند. کریمی با بیان این که این آمار به صورت رسمی توسط «انجمن حسینی» اعلام شده است، ابراز می‌دارد: با توجه به این که دولت پاکستان توجهی به منطقه کورم ایجنسی ندارد، این انجمن در حال حاضر به نوعی مسئول منطقه شناخته می‌شود. آن‌ها با محوریت مدرسه‌های علمیه آیت‌الله خامنه‌ای و جعفری فعالیت می‌کنند. او در ادامه بخشی از مشکلات مردم این منطقه در زمینه‌های بهداشتی و درمانی را چنین روایت می‌کند: «در این منطقه تعداد زیادی جانباز قطع عضو وجود دارد. ۳ نفر از این‌ها همسایه ما بودند. آن‌ها برای این که بتوانند برای خودشان پروتز تهیه کنند، به صورت قاچاقی خود را به افغانستان رسانده و خود را افغانی معرفی کرده بودند تا به این واسطه بتوانند از سازمان ملل و ارگان‌های مربوطه پروتز دریافت کنند.»

«تصویر امام و رهبری در خانه و مغازه‌های مردم»

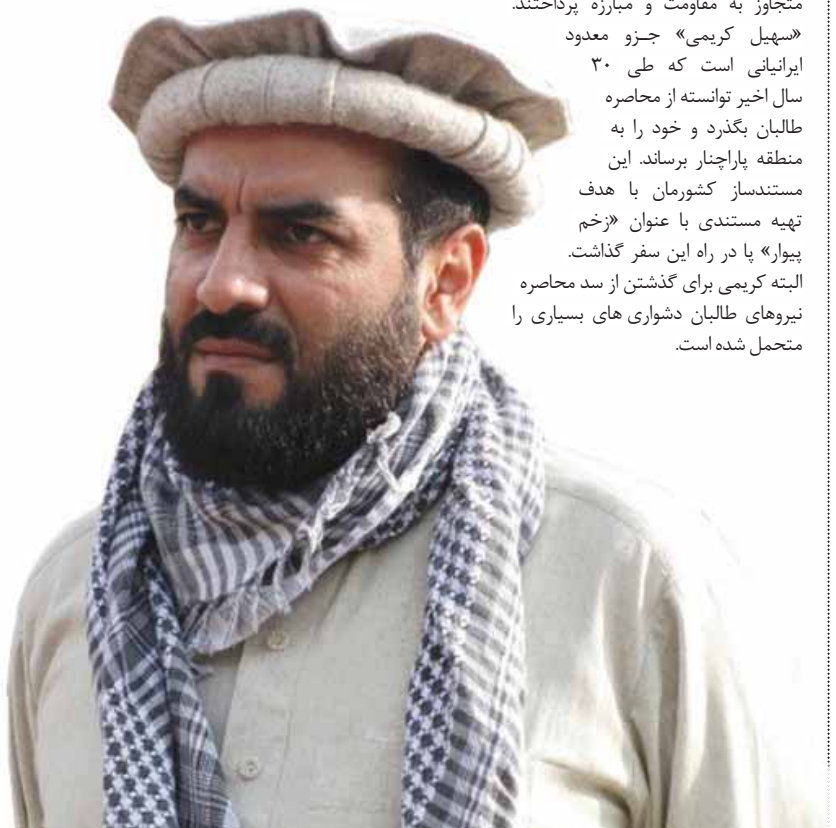
او می‌گوید ما در خانه و حتی مغازه بسیاری از مردم روستاهای منطقه، شهر پاراچنار و پیوار تصویر حضرت امام خمینی (ره)، مقام معظم رهبری، شهید مطهری و شهید بهشتی را مشاهده کردیم. به گونه‌ای که در شهر پاراچنار از هر ۵۰۰ مغازه تنها چند مغازه را می‌توان پیدا کرد که این تصاویر در آن نباشد. البته این علاقه در روستاها بیشتر و نمایان تر است.

«شهید عارف حسینی؛ اسطوره مقاومت»

کریمی در ادامه از فردی سخن می‌گوید که می‌توان از او به عنوان اسطوره و رهبر مقاومت اسلامی مردم کورم ایجنسی طی ۳۰ سال اخیر یاد کرد؛ شهید عارف حسینی.

او در ابتدا با اشاره به این که روستای پیوار زادگاه شهید عارف حسینی است و خانواده و خاندان این شهید جایگاه ویژه‌ای در بین مردم این منطقه دارند، چنین می‌گوید: شهید عارف حسینی پس از این که به روحانیت رسید عازم نجف شد و با توجه به این که امام خمینی (ره) به این شهر تبعید شده بودند، شاگرد ایشان شد. او پس از آن که توسط رژیم بعث عراق از آن کشور اخراج شد به ایران آمد و بیشتر در فعالیت‌های انقلابی حضور یافت. پس از مدتی ساواک او را از کشور اخراج کرد و از این رو به پاکستان بازگشت.

شهید عارف حسینی در پاکستان نیز با فعالیت‌های مبارزاتی، تظاهرات، راهپیمایی، سخنرانی و... دولت پاکستان را تحت فشار گذاشت تا از انقلاب اسلامی





انتشار سریع تصویر و صدای مقام معظم رهبری در تلفن همراه

این مستندساز کشورمان در بیان روایت دیگری از مشاهداتش می گوید: یکی از بچه های پاراچنار در گوشی تلفن همراه من عکس های دست بوسی من از مقام معظم رهبری در زمان آزادی ام از زندان آمریکایی ها و چند فایل صوتی و تصویری از ایشان را دید و به گوشی خودش ارسال کرد. فردای آن روز دیدم که این فایل ها در تمام شهر در حال انتشار است و به سرعت زیادی به دست خیلی از مردم رسیده است. آن ها به طور عجیبی تشنه فرهنگ انقلاب اسلامی ایران هستند. اما متأسفانه ما از این موضوع غافل هستیم و به آن ها توجه کمی داریم.

و اما... ما

صحبت که به این جا رسید بی درنگ سؤالی از کریمی پرسیدیم، آیا نهادی از نهادهای دولتی و دینی ما در این منطقه فعالیت می کنند؟ او معتقد است که نه تنها نهادهای دولتی و دینی بلکه حتی رسانه ها و حتی رسانه ملی ما نیز در این زمینه بسیار کم کار بوده اند. او از این که موضوع کورم ایجنسی به عنوان یک «نزاع قبیله ای» مطرح می شود، انتقاد می کند و می گوید: متأسفانه با وجود مدارس علمیه گوناگون در این منطقه با نام هایی همچون آیت...خامنه ای که با مشکلات بسیاری دست و پنجه نرم می کنند، حوزه های علمیه ما هیچ ارتباطی با مردم و مدارس علمیه این منطقه ندارند. نمایندگی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران در پاکستان هم در این زمینه بسیار ضعیف عمل می کند و هیچ توجهی به مردم این منطقه ندارد. من نمی دانم چرا ما نسبت به مردم شیعه، مظلوم و تحت محاصره کورم ایجنسی تا این حد بی تفاوت هستیم؟ ▶▶

تبدیل شد. چرا که آن ها تحت فشار دولت های جهان قصد داشتند این منطقه را به طور کامل تفکیک نژادی کنند. آن ها حتی به شهید عارف الحسینی پیشنهاد دادند که مردم این منطقه را تخلیه کند و جای دیگری به آن ها داده شود.

پرواز علامه

وی درباره ماجرای شهادت عارف الحسینی نیز می گوید: سرانجام دولت پاکستان در سال ۱۶۷۷ ایشان را در مدرسه علمیه پیشاور ترور کرد. کریمی در پاسخ به این سوال که آیا شخصی به عنوان جانشین شهید عارف الحسینی معرفی شده یا خیر، اظهار می دارد: در حال حاضر آقای ساجد علی نقوی جانشین ایشان و علامه بهاءالدینی به عنوان نماینده وجوهای شرعیه مقام معظم رهبری در پاکستان هستند. ولی ایشان مانند شهید عارف الحسینی نماینده سیاسی نیستند.

تصویر امام و رهبری بر روی تابوت شهدا

او به یکی از سنت های مردم این منطقه در مراسم تشییع شهدا اشاره و عنوان می کند: آن ها زمانی که می خواهند یک شهید را تشییع کنند، همه در محوطه آرامگاه شهید عارف الحسینی جمع می شوند و روی تابوت شهدا تصویر امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری را نصب می کنند و بعد هم عزاداری می کنند. حاضران حتی برای سربلندی نظام جمهوری اسلامی ایران، سلامتی رهبر انقلاب، شادی روح امام خمینی(ره)، شهید مطهری، شهید بهشتی، شهید رجایی، صدر، حکیم و دیگر شهدای اسلام هم دعا می کنند. همچنین معمولاً بر فراز تربت شهدا پرچم جمهوری اسلامی ایران را نصب می کنند و در واقع روستای پیوار به مرکز فعالیت نیروهای ولایت مدار کورم ایجنسی تبدیل شده است.

مظلومیت شیعیان پاراچنار راهیمیایی چند هزار نفری را در مسیر ۲۵۳ کیلومتری بین پاراچنار و پیشاور به راه می اندازد که در همین راهیمیایی دولت پاکستان او را بازداشت می کند. اما ده ها نفر دیگر نیز برای حمایت از او داوطلبانه به بند بازداشت می روند. این موضوع باعث می شود که دولت پاکستان دوباره در تنگنا قرار گیرد. چرا که اعتراض ها بالا می گیرد و مردم دیگر مناطق پاکستان هم با این جریان همراه می شوند. از این رو دولت مجبور می شود شهید عارف الحسینی را از زندان آزاد کند.

کار نیمه تمام در زندان؟!

کریمی ادامه می دهد: شهید عارف الحسینی با آزادی از زندان موافقت نکرد و گفت که درس های دینی او در زندان ناتمام مانده است! از این رو مدت دیگری در زندان ماند و با پایان یافتن درس هایش از زندانیان آزاد شد. در واقع این موضوع به خاری در چشم دولت پاکستان

ایران حمایت کند. این در حالی بود که در این زمان به نوعی حکومت پاکستان در اختیار سعودی ها بود و سلفی گری رواج بسیاری داشت.

کریمی سپس با اشاره به این که شهید عارف الحسینی به عنوان نماینده امام خمینی(ره) در پاکستان منصوب شده بود، می افزاید: این موضوع باعث شد که جایگاه شهید عارف الحسینی در منطقه پررنگ تر شود و به واسطه فعالیت های ایشان انقلاب اسلامی ایران به مردم شبه قاره هند شناسانده شود. او معتقد است تظاهرات و فعالیت های انقلابی شهید عارف الحسینی به حدی بوده که احتمال ساقط شدن دولت پاکستان وجود داشته است. اما در همین شرایط او تاکید می کرد، تنها هدفش دفاع از انقلاب اسلامی ایران است.

نذر و روزه مردم پاراچنار برای آزادی خرمشهر

این مستندساز در ادامه ماجرای راز فعالیت های شهید عارف الحسینی در زمینه حمایت از نظام جمهوری اسلامی ایران در سال های دفاع مقدس این گونه روایت می کند: هم زمان با اجرای عملیات آزادسازی خرمشهر ایشان به طلبه های مدرسه جعفریه اعلام می کنند که برای موفقیت این عملیات نذر کنند و روزه بگیرند. اما اغلب مردم پاراچنار به تبعیت از علامه عارف الحسینی این کار را انجام می دهند. همان روز بعدازظهر خبر می آید که خرمشهر آزاد شده. مردم جشن می گیرند و شادمانی می کنند و این موضوع به نظر دولت پاکستان که از عراق حمایت می کرد خیلی سنگین می آید. به همین دلیل دولت به سلفی ها اجازه می دهد که به این مردم حمله کنند و آن ها را بکشند و سلفی ها نیز با حمله به چند روستا، تمام مردم را قلع و قمع می کنند! در پی این موضوع حلقه محاصره تنگ تر می شود و شهید عارف الحسینی هم در اقدامی برای مطرح شدن

هم زمان با اجرای عملیات آزادسازی

خرمشهر ایشان به طلبه های مدرسه جعفریه اعلام می کنند که برای موفقیت این عملیات نذر کنند و روزه بگیرند. اما اغلب مردم پاراچنار به تبعیت از علامه عارف الحسینی این کار را انجام می دهند. همان روز بعداز ظهر خبر می آید که خرمشهر آزاد شده. مردم جشن می گیرند و شادمانی می کنند

فردای آن روز دیدم فایل های صوتی

و تصویری از مقام معظم رهبری در تمام شهر در حال انتشار است



انقلاب اسلامی در دنیای جدید

نوشته‌ای از رسول جعفریان

حجت‌الاسلام رسول جعفریان از مورخین معاصر کشورمان است که آثار متعددی در زمینه تاریخ اسلام، ایران و انقلاب اسلامی تالیف کرده است. متن زیر تلخیص شده مقاله وی درباره تأثیر های انقلاب اسلامی می باشد که در شماره ۳۰ مجله حضور به طور کامل منتشر شده است.

آثار و نتایج انقلاب اسلامی

۱- رواج اسلام انقلاب: می‌توان گفت که در تاریخ تفکر سیاسی اسلام، دو نوع نگرش نسبت به مسئله معارضه با حاکمان ستمگر بوده است:

* نخست موضع تسلیم‌گرایانه.

* دوم موضع مبارزه‌جویانه.

به طور غالب اسلامی سنی متمایل به موضع نخست و اسلام شیعی متمایل به موضع دوم بوده است. البته هیچ‌گاه این مسئله کلیت نداشته و هم در میان شیعیان، موضع مسالمت‌جویانه در کار بوده است. روزگاری سرزمین مصر، خیزش سیاسی خاصی در رواج اسلام انقلابی داشت. نمونه آن حرکت سید قطب و جنبش اخوان المسلمین بود. با این حال، با پیروزی انقلاب اسلامی، اسلام انقلابی به صورت جدی‌تر مطرح شده و به دنبال آن گروه‌های دینی - انقلابی زیادی در کشورهای اسلامی پدید آمد که به نوعی از کلمه «الجهاد» در عنوان‌های رسمی خود استفاده کرده‌اند. پیش از آن، برای چند دهه، حرکت انقلابی، تقریباً در اختیار گروه‌های مارکسیستی و چپ بود. در حال حاضر، پس از گذشت دو دهه از انقلاب اسلامی گروه‌های اسلامی - انقلابی در جهان تسنن، از مخالفت با دولت‌های نامشروع در کشورهای اسلامی کمتر هراسی دارند.

۲- رواج اسلام سیاسی: باید میان اسلام سیاسی و انقلابی تفاوت گذاشت. مقصود از این تعبیر آن است که اسلام تنها یک دین فردی نیست، بلکه به نوعی مدعی سیاست و حکومت است. این نگرش برای سال‌ها مورد تعرض قرار گرفته بود؛ به این معنا که پس از نابودی خلافت عثمانی، اسلام روزه‌روز به سوی محدودیت بیشتری پیش رفته و اندیشه سیاسی آن مورد غفلت واقع شده بود. انقلاب اسلامی، تأکیدی بر بعد سیاسی اسلام بود. البته این بار، بحث خلافت مطرح نبود، به دلیل آنکه هویت شیعی انقلاب، اعتقادی به خلافت نداشت. این بار بحث از حکومت اسلامی بود. حکومت اسلامی، یک تئوری سیاسی - دینی است که پس از آن کشورهای اسلامی مستقل شده و نظریه‌ی خلافت به کنار رفت، مورد توجه برخی از اندیشمندان دینی از جمله رشیدرضا (۱۸۶۵ - ۱۹۳۵) قرار گرفت.

در ایران نظریه حکومت اسلامی، با نظریات فقه سیاسی شیعه تلفیق شد و نام ولایت فقیه را به خود گرفت. در این نظریه فقه اسلامی مبنای عمل سیاسی قرار گرفت.

۳- احیای هویت دینی: پس از آنکه یک قرن از ورود تمدن غرب به جهان اسلام گذشت، اعتماد به نفس در میان مسلمانان، به ویژه قشر تحصیل‌کرده از میان رفته بود. شمار فراوانی از تحصیل‌کرده‌های جدید، طرفدار آن بودند تا در هویت جهانی غرب هضم شده و گذشته خود را به فراموشی بسپارند. توجه آنها به گذشته، تنها از باب تفنن و سرگرمی بود و در این باره نیز می‌کوشیدند تا آنچه را که تحقیقات جدید غرب درباره گذشته آنها گفته، مورد اعتماد قرار دهند. انقلاب اسلامی به عنوان یک انقلاب دینی در جهان غیرمذهبی جدید، پدیده‌ای شگرف بود، تکیه زیادی بر روی اعتماد به نفس اسلامی کرد. این مسئله در شعارهای امام خمینی فراوان مطرح می‌شد و نکته‌ای بود که در نهایت می‌بایست به اتحاد دنیای اسلام و بازگشت عظمت دیرین بینجامد.

۴- نشر تشیع: یکی از آثار مهم انقلاب اسلامی در جهان اسلام، نشر تشیع بوده است. فضای کلی موجود در اندیشه‌های انقلاب اسلامی، عقائد و آرمان‌های شیعی بوده و به طور طبیعی، گسترش این اندیشه‌ها همراه با

بستر اصلی آن، یعنی تشیع قابل تحقق بوده است. به طور طبیعی، اعتبار شخصی امام خمینی، موضع‌گیری‌های ضداستعماری و اصولاً ضدسلطه بر جهان اسلام به نوعی به حساب عقیده مذهبی تشیع گذاشته شده و برای بسیاری از مسلمانان جاذبه ایجاد کرده است. در مسیر رشد تشیع، به جز استفاده از زمینه‌های انقلابی، از روش‌های سنتی نیز در ترویج تشیع استفاده شده است. مهم‌ترین آنها نشر محبت اهل بیت (ع) است که همیشه همراه آن، تشیع رشد یافته است. افزون بر آن، پس از انقلاب اسلامی، موسسات فراوانی در ایران کار نشر تشیع را بر عهده گرفته و به طور همزمان، در نشر افکار انقلابی و شیعی، فعالیت کرده و می‌کنند. به هر روی، روزانه، صدها نامه از علاقه‌مندان به مذهب تشیع به این مراکز رسیده و آثار علمی مورد نیاز برای آنها ارسال می‌شود. همچنین مدارس و نهادهای آموزشی زیادی برای تبلیغ اسلام و تشیع در کشورهای اسلامی مختلف ایجاد شده است. بسیاری از این موسسات توسط نوشیه‌هایی اداره می‌شود که پس از انقلاب اسلامی به مذهب شیعه تمسک کرده‌اند. مدیریت این مدارس با روحانیون شیعه عراقی یا لبنانی است که آمادگی بیشتری برای انجام وظایف دارند. بیشتر اینها با نهادهای علمی موجود در ایران ارتباط دارند. گفتنی است که در برخی از کشورها، مانند مالزی یا اندونزی و حتی برخی از کشورهای آفریقایی که در گذشته هیچ شیعه‌ای وجود نداشت، یا دست کم میان بومیان شیعه‌ای نبود، اکنون شمار فراوانی شیعه وجود دارد. البته نمی‌توان همه شیعه‌شدگان را به انقلاب اسلامی نسبت داد. باید توجه داشت که شیعیان سایر کشورها هم جمله عراق و نیز شیعیان خوجه، فعالیت زیادی در تبلیغ تشیع داشته‌اند. ناگفته پیداست که پس از انقلاب اسلامی، تحقیقات شیعه‌شناسی در میان موسسات پژوهشی غرب جایگاه ویژه‌ای یافته است.

راه‌های نفوذ انقلاب اسلامی بر مسلمانان

باید گفت مهم‌ترین زمینه نفوذ افکار و آرمان‌های انقلاب اسلامی، در کشورهای اسلامی است. رهبری انقلاب اسلامی، بر این باور بود که باید به ملت‌ها بها داد نه دولت‌ها. چنین کاری تنها می‌توانست صورت فرهنگی داشته باشد، چراکه برقراری ارتباط سیاسی با مردم معنایی نداشت، مگر آن که بتوان با یک سازمان یا تشکل ارتباطی داشت که این مسئله نیز دشواری‌های سیاسی و فرهنگی خود را در پی داشت. در این باره، به چند زمینه مناسب برای سرمایه‌گذاری فرهنگی و سیاسی اشاره می‌کنیم:

۱- حج و عربستان: یکی از زمینه‌هایی که برای نشر پیام انقلاب اسلامی در میان مسلمانان، از آغاز مورد توجه رهبری انقلاب بود، مسئله حج بود. طبیعت حج به دلیل شرکت زائران مسلمان از همه کشورها، شرایط را برای برقراری ارتباط با آنها فراهم می‌کرد. دامنه این مسئله، به اندازه‌ای وسیع بوده و هست که به هیچ روی نمی‌توان حتی به طور فهرست‌وار نیز به ابعاد آن دست یافت. در سال نهم هجری، پیامبر خدا (ع) پیام برائت از مشرکان را به امام علی (ع) داد تا در مکه بر مردم بخواند. طی این پیام‌ها مهلتی به مشرکان داده شده بود که می‌بایست پس از آن از شرک دست شسته و به اسلام می‌گرویدند. رهبری انقلاب، با الهام از آن مسئله کوشید تا ماهیت حج را در برخورد با مشرکان که آمریکا در رأس آن شناخته می‌شد، سیاسی کند.

۲- لبنان: این کشور، ترکیبی از طوائف و اقلیت‌های مختلف است. یکی از طوائف برجسته این کشور، جامعه شیعه آن است که مرکز ثقل آن در جنوب لبنان و نیز منطقه بعلیک می‌باشد.

پیش از انقلاب اسلامی و جنگ‌های داخلی لبنان در سال ۱۹۷۵ میلادی، یکی از روحانیون با نام امام موسی صدر رهبری شیعیان لبنان را بر عهده گرفت و

توانست آنها را متشکل کند. از آن زمان، جامعه شیعه به صورت متشکل وارد عرصه سیاسی لبنان شد. با انقلاب اسلامی، نور امیدی در دل شیعیان لبنان تابید و شیعیان به عنوان یکی از فعال‌ترین گروه‌های این کشور درآمدند. پس از حمله اسرائیل به لبنان، شیعیان جنوب، متشکل‌تر عمل کرده و ارتباط خود را با ایران مستحکم کردند. به مرور در جامعه شیعه لبنان گروهی تحت عنوان حزب‌الله ایجاد شدند که مواضع انقلابی‌تری نسبت به جنبش اسلامی اهل داشتند که رهبری آن به دست نبیه پری بود.

۳- سوریه: یکی از کشورهای عربی که برخلاف سایر کشورها، در طول جنگ ایران و عراق، در کنار ایران ایستاد، جمهوری عربی سوریه بود. رهبری این کشور، از ابتدا مواضع انقلاب اسلامی را در حمایت از فلسطین دریافت و تا به آخر در همراهی خود با ایران مقاومت کرد. از آنجا که در سوریه، مناطق شیعه‌نشین وجود دارد، زمینه فعالیت فرهنگی برای ایرانیان وجود داشت. نکته دیگر آن که، عدم وجود



تعصب سنی‌گری در میان رهبران سوریه و دانشمندان و استادان دانشگاه‌های این کشور نیز زمینه مساعدی برای توجه بیشتر به انقلاب اسلامی بوده است. هر بار که در ایران کنفرانس وحدت اسلامی تشکیل می‌شود، استادان این کشور با رغبت تمام در آن شرکت می‌کنند. همه ساله، ناشران سوریه در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران شرکت کرده و این زمینه همکاری مشترک فرهنگی بوده و هست. کتاب‌های شیعه به راحتی در نمایشگاه‌های کتاب سوریه عرضه می‌شود، فرصتی که در سایر کشورهای عربی کمتر به دست می‌آید. به همین قیاس باید درباره ارتباط ایران با تحولات افغانستان، بحرین، پاکستان، لیبی و کشورهای دیگر سخن گفت.

دشواری‌های روابط انقلاب اسلامی

ایران و جهان

الف: در جهان اسلام

۱- مسئله تشیع: پس از آنچه درباره نشر تشیع و ایدئولوژی انقلاب اسلامی گذشت، باید توجه داشت که مشکل نخست انقلاب اسلامی ایران با جهان اسلام مسئله تشیع است که برای مسلمانان اهل تسنن حساسیت‌برانگیز است. انقلاب اسلامی به دلیل تأکیدش بر تشیع و به رغم تکیه و اصراری که بر وحدت دارد، در نظر اهل سنت، نوعی معارضه تاریخی با مذهب تسنن دارد. ریشه‌های تاریخی این تعارض، بسیار طولانی، گسترده و عمیق است. سابقه نزدیکی تشیع و تسنن تنها در دوره‌های خاصی از تاریخ که تصوف حاکم بوده، تا حدودی تجربه شده است. جز آن، تقریباً اختلاف مزبور، به صورت یک جریان ممتد، گرچه با شدت و ضعف، وجود داشته است. باید توجه داشت که نوع خاصی از تسنن در تاریخ تشیع درگیر بوده و آن تسننی است که امروزه نمایندگی آن

را مذهب سنی وهابیت در عربستان بر عهده دارد. صدها کتاب و جزوه طی بیست سال گذشته در مناطق عربی و نیز هند و پاکستان بر ضد تشیع نوشته شده است. بیش از هشتاد درصد از آنها، به نوعی با بحث انقلاب و تشیع ارتباط دارد. جریان شیعه‌کشی در پاکستان که در دو سه سال گذشته به صورت یک بحران بزرگ درآمد و نیز حمله طالبان به مزار شریف و قتل عام شیعیان، تنها یک مسئله تاریخی نیست بلکه در جهت محدود کردن نفوذ انقلاب اسلامی ایران در جهان اسلام است. راه‌حلی که رهبری انقلاب اسلامی انتخاب کرد، وحدت مسلمانان سنی و شیعه بود. به همین دلیل این فتوای مذهبی تاریخی صادر شد که ایرانیان در حج، پشت سر امام جماعت مسجدالحرام نماز گزارند.

۲- اختلاف عرب و عجم: از نظر تاریخی نوعی تعارض عربی - عجمی از آغاز فتح ایران توسط اعراب مسلمان مطرح شده است. جریان شعوبیه در تاریخ ادبیات اسلامی، نمود فرهنگی این تعارض قومی در میان اعراب و ایرانیان است. بعدها خلافت عباسی و سلطنت‌های ایرانی به نوعی بر این تعارض دامن زدند. آخرین حلقه از این اختلافات، نزاع عثمانی‌ها - به جانشینی و نمایندگی اعراب - و ایرانی‌ها در دوران صفویه بوده است. از زاویه دیگر، باید توجه داشت که اعراب خود را در برابر با اسلام می‌پندارند و ادعای ایران را برای داشتن اسلام اصیل و درست، به طور طبیعی مورد استهزا قرار می‌دهند!

ب: در غرب

مشکل دموکراسی در ایران: آگاهی که در تفکر سیاسی غرب، دین نقشی در حکومت ندارد. بر این اساس، حتی اگر در کشوری مانند ایران درباره حضور دین در حکومت، میان مردم رأی‌گیری شود و مردم به جمهوری و حکومت دینی رأی مثبت دهند، باز هم از نظر غرب پذیرفتنی نیست. آنچه در دموکراسی غربی اهمیت دارد، تمایز میان دین و سیاست و پس از آن، بنای حکومت بر پایه رأی اکثریت مردم و امکان انتقاد و انحلال دولت از طریق قانونی است.

در ایران بعد از انقلاب، نخستین انتخابات، انتخاب جمهوری اسلامی به عنوان روش حکومتی بود. طبعاً عنوان اسلامی در حکومت، برای غرب، قابل قبول نبود؛ این زمینه اولیه مخالفت فکری غرب با ایران به عنوان یک کشور غیردموکراتیک است. براساس آن چه گذشت، طی سال‌ها، ایران متهم به داشتن نظام توتالیتر و استبداد دینی شده و به رغم بیست انتخابات در طی بیست سال پس از انقلاب، تاکنون این اتهام در رسانه‌های خبری غرب برجای مانده است. **اسلام و خشونت:** یکی از بنیادهای فکری غرب، تساهل و مدارا است که به عنوان تأمین‌کننده یک حق طبیعی در انتخاب اندیشه و مذهب برای انسان روی آن تأکید می‌شود. در این که، آیا غرب در تمامی موضع‌گیری‌های داخلی و خارجی خود، به این اصل وفادار است یا نه، فعلاً بحثی نداریم. مهم آن است که اسلام، با تعریفی که از انسان و جهان دارد، تساهل و مدارا را در فضای خاصی تصویر می‌کند که با اصول پذیرفته شده در غرب چندان سازگار نیست. این مسئله سبب شده تا براساس تعاریف غرب از تساهل و مدارا، اسلام به عنوان آیینی خشن شناخته شود. اما با تحقق انقلاب اسلامی، دین باز به صحنه سیاست و اجتماع بازگشت. این بار، به دلیل برخوردی که استعمار با جهان اسلامی کرده بود، دین موضع تندتر و خشن‌تری گرفت. هرچه، این نزاع که در اصل برای دفاع از خود بود، جدی‌تر شد، تصویری که از اسلام برای اروپا عرضه شد، خشن‌تر بود. ▶▶

امداد

ویژه‌نامه تحلیلی دفتر پژوهش
موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیرمسئول: کورش شجاعی
سردبیر: محمدسعید احدیان
به اهتمام: محمد ولوی